

انداختن نردبان مالی؟

تجربه بانکداری توسعه‌ای در آلمان طی فرآیند جهانی‌سازی اقتصاد^۱

مترجمان: سمیرا نصیری،* آمنه خوشبخت** و محمد اخباری***

چکیده

درباره چگونگی محدودسازی فضای سیاست‌گذاری صنعتی در کشورهای در حال توسعه از طریق جهانی‌سازی اقتصاد، ادبیات گسترده‌ای در دسترس است، ولی درباره چگونگی تأثیرگذاری این مقوله بر اقتصادهای توسعه‌یافته، متون نظری بسیار محدودی وجود دارد. در این پژوهش، از اطلاعات بایگانی بانک توسعه دولتی آلمان (KfW) به‌منظور تحلیل فعالیت‌های این بانک و شفاف‌سازی یک جنبه مهم از سیاست‌گذاری صنعتی این کشور، که البته مغفول مانده، استفاده شده است. در این مقاله، چگونگی پاسخگویی بانک توسعه دولتی آلمان به چالش‌های انبوهی که پس از جهانی‌سازی با آن مواجه شده، از جمله بحران مالی، توافقنامه‌های بین‌المللی برای کاهش یارانه‌های صادراتی و پیوستن به اتحادیه اروپا، تحلیل شده است. نویسندگان مقاله بر این باورند که KfW در تغییر جهت این چالش‌ها و هدایت آن به سمت حفظ و یا حتی افزایش توانایی برای اجرای سیاست‌های گزینشی صنعتی پس از دهه ۱۹۸۰ عملکرد موفق‌تری داشته است. این موفقیت به دلیل "جهان‌روا بودن واحد پولی آلمان"، "پایین بودن ریسک اعتباری دولت"، "اندازه بزرگ بازار این کشور به سبب عضویت در اتحادیه اروپا" و "موقعیت آلمان به‌عنوان یک قدرت غالب و بسیار تأثیرگذار در قاره اروپا" امکان‌پذیر شده است. به‌طور کلی، این موضوع نشان می‌دهد که اقتصادهای پیشرفته، بسته به سیاست‌های داخلی، قادر به شکل‌دادن و بهره‌برداری از قوانین نظام اقتصاد بین‌المللی به‌منظور افزایش مداخله دولت در تخصیص اعتبار در جهت تحقق اهداف سیاست صنعتی هستند؛ این در حالی است که وقتی نوبت به کشورهای در حال توسعه می‌رسد، اقتصادهای توسعه‌یافته توصیه‌های سیاستی کاملاً متفاوتی را ارائه می‌کنند.

واژگان کلیدی: بانک‌های توسعه‌ای، سیاست صنعتی، جهانی‌سازی، فضای سیاستی، تأمین مالی، آلمان.

طبقه‌بندی JEL: G21, O23, O25, F6, E62

۱. ترجمه ای است از:

Natalya Naqvi, Ann Henaw and Ha-Joon Chang. (2018). Kicking Away the Financial Ladder? German Development Banking Under Economic Globalization. Review of International Political Economy

snasiri1388@gmail.com

* پژوهشگر اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

amkshobakht@gmail.com

** رئیس دایره اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

m.akhbari@cbi.ir

*** مدیر اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

۱. مقدمه

استقلال سیاسی و تأثیر آن بر سیاست صنعتی

از هنگام بروز بحران مالی و رکود اقتصادی در سال ۲۰۰۸ میلادی، مفهوم "بنیادگرایی بازار" به‌طور فزاینده‌ای حتی توسط اقتصاددانانی که زمانی مدافع اصلی آن بودند، مورد تردید واقع شده^۱ و این در حالی است که سیاست صنعتی^۲ در وضعیتی مشابه رنسانس قرار گرفته است.^۳ این مقوله حتی در اقتصادهای پیشرفته نیز به دلیل بیم آنان از صنعت‌زدایی و کاهش سهم اقتصاد آنها از تولید جهانی مطرح است.^۴ حال، دیگر بحث و جدل بر سر این نیست که آیا سیاست صنعتی لازم است یا خیر، بلکه بر سر آن است که آیا باید با مزیت نسبی اقتصادها مطابقت داشته باشد یا خیر.^۵ حتی اقتصاددانان نئوکلاسیک نیز موضوع سیاست صنعتی را مورد توجه قرار داده‌اند.^۶ علاقه مجدد به مبحث سیاست صنعتی این پرسش را برای هر دو گروه متخصصان و سیاست‌گذاران به‌وجود آورده که از زمان آزادسازی مالی و تجاری دهه ۱۹۸۰ و همین‌طور از زمان گسترش توافقنامه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری‌های چند جانبه و منطقه‌ای از دهه ۱۹۹۰، چه مقدار فضای کار به‌منظور اعمال سیاست‌های صنعتی برای کشورها باقی‌مانده است. این امر بار دیگر توجهات را به مبحث تأثیرات جهانی‌سازی بر استقلال سیاست‌های داخلی ملت-دولت‌ها^۷ معطوف نموده است.

این مقاله، این بحث را گسترش داده و به فضای سیاست‌گذاری اقتصادهای پیشرفته در مورد سیاست‌های صنعتی گزینشی پرداخته است؛ بدین‌منظور موضوع مورد مطالعه آن است که چگونه کشوری مانند آلمان که یکی از بزرگترین اقتصادهای صنعتی جهان محسوب می‌شود توانسته با وجود

1. Wade. (2017).

۲. سیاست صنعتی به معنای "هر نوع سیاستی است که تلاش می‌کند تا بر تحول صنایع ویژه، از راه مداخله دولت، اثر گذارده و بهره‌وری و رشد ملی را متأثر سازد" (چانگ، ۱۹۹۴).

3. Wade. (2017) and Warwick. (2013).

4. Hopewell. (2017).

5. Lin and Chang. (2009); Lin. (2010 and 2011) and Wade. (2011).

6. Hausmann and Rodrik. (2006) and Lin. (2012).

7. Aggarwal and Evenett. (2014) and UNCTAD. (2014).

8. Nation-state

مواجهه با چالش‌های جهانی سازی، همچنان با استفاده از بانک‌های دولتی خود به تخصیص اعتبار به بخش‌های اولویت‌دار ادامه دهد. در این راستا، عملکرد بزرگترین بانک توسعه‌ای این کشور یعنی KfW^۱ در دوران پس از جنگ جهانی دوم تا به امروز بررسی شده است. با وجود حمایت صندوق بین‌المللی پول (IMF) از فرآیند خصوصی سازی بانک‌ها در کشورهای در حال توسعه از دهه ۱۹۸۰ میلادی^۲ و کاهش شدید بانکداری دولتی در کشورهای عضو OECD (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه) تحت فشارهای وارده بر این کشورها برای آزادسازی^۳، آلمان به لحاظ نسبت کل دارایی‌ها به GDP همچنان مهم‌ترین بانک توسعه‌ای دولتی در سطح ملی را در مقایسه با کشورهای دیگر جهان در اختیار دارد. بانک KfW با در اختیار داشتن رقمی نزدیک به ۵۰۰ میلیارد یورو دارایی، برای اقتصاد ملی آلمان بسیار مهم‌تر از بانک BNDES^۴ برای برزیل و یا بانک توسعه چین^۵ برای کشور چین است.^۶ از نظر اندازه نیز، این بانک در مقایسه با بانک‌های دیگر سرمایه‌گذاری در اقتصادهای پیشرفته منحصر به فرد است.^۷ نویسندگان مقاله بر این باورند که کشور آلمان، به دلیل موضع قدرتمند خود در حوزه اقتصاد سیاسی جهان که به‌مدد عضویت در اتحادیه اروپا روزه‌روز بر میزان آن افزوده می‌شود و همین‌طور به سبب موقعیت منطقه‌ای آن به‌عنوان یک هژمون در اروپا، موفق شده چالش‌های حاصل از جهانی سازی پس از دهه ۱۹۷۰ میلادی را به شکل مناسبی مدیریت نماید؛ این چالش‌ها عبارتند از بحران تأمین مالی، توافقنامه‌های بین‌المللی مبنی بر محدودیت یارانه‌های صادراتی و پیوستن به اتحادیه اروپا. آلمان همچنین توانسته میزان مداخله دولت در اعطای اعتبار از طریق KfW را افزایش دهد. این امر نشان‌دهنده آن است که با وجود محدودیت‌های جهانی سازی، اقتصادهای پیشرفته همچنان از "آزادی عمل"

۱. این بانک در سال ۲۰۱۲ به Kreditanstalt für Wiederaufbau (KfW) تغییر نام داد. در تمام مقاله، هر زمان به نام این بانک اشاره شده، به صورت اختصار از عبارت KfW استفاده شده است.

2. Andrews, A. M. (2005).

3. Verdier. (2000).

4. Banco Nacional de Desenvolvimento Economico e Social (BNDES)

5. China Development Bank

6. Humphrey, C. (2015). p. 3.

7. European Association for Public Banks (EAPB). (2016). pp. 9-11.

چشم‌گیری برای پیگیری سیاست‌های صنعتی کنش‌گرا در بخش مالی برخوردارند؛ البته مشروط به آنکه سیاست‌های داخلی آنها از چنین سیاست‌هایی حمایت کند.

جهانی‌سازی و فضای سیاست‌گذاری در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه

متخصصان اقتصادی چندین دهه بر این باور بودند که جهانی‌سازی به فرآیند "همگرایی نئولیبرال" منجر شده است، به‌گونه‌ای که نیروهای بازار و تهدیدهای مربوط به خروج سرمایه به میزان چشم‌گیری مداخله دولت را محدود کرده است.^۱ جهانی‌سازی، از سوی دیگر، انتقال به یک سیستم مالی مبتنی بر بازار، مشابه الگوی ایده‌آل آنگلو‌ساکسون را سبب شده، چرا که ناهمگونی‌ها را در سطح ملی مرتفع می‌کند.^۲ مجموعه ارزشمند ادبیات در حوزه سیاست‌گذاری صنعتی نشان می‌دهد که فضای سیاست‌گذاری در کشورهای در حال توسعه به سبب توافقنامه‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، محدود شده است.^۳ این موضوع همچنین در حوزه مالی مصداق دارد؛ بر این اساس، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی توصیه نموده‌اند که استفاده از ابزارهای سیاست صنعتی مانند بانک‌های توسعه‌ای دولتی، کنترل نرخ بهره و برنامه‌های هدایت اعتبار که به‌طور معمول برای هدایت اعتبار به سمت بخش‌های استراتژیک استفاده می‌شد، متوقف شود.^۴

فرضیه "همگرایی" با انتقادهای فراوانی مواجه شده است؛ این انتقادات از سوی اندیشمندان مطرح شده که با وجود فرآیند جهانی‌شدن، بر تداوم تنوع در سیستم‌های اقتصاد ملی تأکید دارند.^۵ این پژوهشگران استدلال می‌کنند که قدرت فشارهای خارجی و توان واکنش نسبت به آنها در داخل کشور تعیین می‌شود.^۶ افزون بر این، جهانی‌سازی اثر مهم "تقویت نقش دولت"^۷ را به همراه دارد؛ چرا که آزادسازی بیرونی نه تنها افزایش تقاضا از دولت برای مقابله با بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از فشارهای بیرونی

1. Strange. (1996); Drezner. (2001) and Garrett. (1998).

2. Dore. (2008); Engelen. (2008) and Maxfield, et al. (2017).

3. Shadlen. (2005); Gallagher. (2005) and Wade. (2003).

4. Cull. (1997).

5. Boyer and Drache. (1996); Maxfield. (2017); Zysman. (1996); Wade. (1996) and Weiss. (1998).

6. Helleiner. (1995) and Weiss. (1998).

7. State Augmenting

را موجب می شود،^۱ بلکه می تواند موجب افزایش تقاضا برای مداخله دولت ها به منظور دستیابی به اهداف سیاست های صنعتی نیز شود.^۲ در حوزه سیاست صنعتی، پژوهشگران معتقدند که درباره تأثیرگذاری محدودیت های خارجی بر سیاست های صنعتی کشورها به شدت مبالغه شده است؛ آنها در تأیید اظهارات خود به افزایش سهولت مداخله اقتصادی دولت در واکنش به بحران مالی سال ۲۰۰۸ اشاره می کنند.^۳ در مقابل، عده ای دیگر معتقدند که با وجود افزایش وابستگی متقابل و به دنبال آن ممنوعیت ابزارهای سنتی سیاست صنعتی، مانند تعرفه ها، دولت ها به منظور دستیابی به اهداف متعارف سیاست های اقتصادی، با ارائه ابزارهای جدید و خلاقانه بر محدودیت ها فایق آمده اند.^۴

در شاخه ای از مطالعات مرتبط استدلال شده که بین میزان توانمندی کشورهای قوی و توسعه یافته و کشورهای ضعیف و در حال توسعه در خصوص انطباق با فشارهای خارجی تفاوت وجود دارد؛^۵ در ضمن، این دو گروه رویکردهای کنشگرایانه متفاوتی را به منظور ارتقای بخش های مختلف اقتصادی در فرآیند جهانی سازی دنبال می نمایند.^۶ متخصصان اقتصاد توسعه این بحث را مطرح می کنند که در شرایطی که توافقنامه های بین المللی فضای سیاست گذاری را برای کشورهای در حال توسعه محدود کرده اند، از سوی دیگر، اقتصادهای پیشرفته به راحتی قوانین اقتصاد جهانی را به نفع خود تغییر داده و برای خود "فضای مناسب تغییر" ایجاد می کنند.^۷ کشورهای توسعه یافته از طریق جرح و تعدیل قوانین بین المللی به شیوه ای متناسب با مسیر توسعه خود،^۸ روند سیاست گذاری را به سود خود تغییر می دهند؛ این در حالی است که از اتخاذ همان سیاست ها توسط کشورهای در حال توسعه ممانعت به عمل می آورند. این فرآیند با عنوان "انداختن نردبان"^۹ شناخته می شود.^{۱۰} در حال حاضر، خلأ بزرگی در متون پژوهشی

1. Garrett. (1998); Weiss. (2005 B) and Mosley. (2005).

2. Breznitz and Zysman. (Eds.). (2013).

3. Aggarwal and Evenett. (2014); Lewis. (2014) and Oh. (2014).

4. Clift and Woll. (2012) and Weiss. (2005 B).

5. Mosley. (2005) and Rudra. (2002).

6. Weiss. (2005 B).

7. Weiss. (2005 A).

8. Ibid.

9. Kicking Away the Ladder

10. Chang. (2002).

درباره چگونگی دنبال کردن اهداف سیاست صنعتی توسط کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد. تنها برخی استثناءها در این حوزه وجود داشته که از آن جمله می‌توان به مطالعات ارزشمند بلاک (۲۰۰۸)، هوپول (۲۰۱۷)، مازوکاتو (۲۰۱۳) و وید (۲۰۱۷)، اشاره کرد.

برای کمک به رفع این خلأ، این مقاله به بررسی تجربه کشور آلمان به‌عنوان یکی از بزرگترین و موفق‌ترین اقتصادهای صنعتی جهان پرداخته تا نشان دهد که این کشور چگونه در تداوم سیاست‌های صنعتی خود، از طریق بانک‌های توسعه دولتی و با وجود چالش‌های انبوه جهانی‌سازی، موفق عمل کرده است. بانک‌های توسعه‌ای دولتی به‌لحاظ تاریخی نقشی کلیدی در سیاست‌های صنعتی کشورهای در حال توسعه و همین‌طور کشورهای توسعه‌یافته، از جمله کره جنوبی، ژاپن، چین، هند، برزیل، ایالات متحده و فرانسه ایفا کرده‌اند. بانک‌های توسعه به‌عنوان عامل دولت^۱ برای تخصیص اعتبار بلندمدت در بیشتر موارد یارانه‌ای) به سوی صنایع هدفگذاری شده که برای رشد اقتصادی حیاتی هستند، عمل می‌کنند؛ این در حالی است که بخش خصوصی به واسطه ریسک‌گریزی بالا از تأمین مالی چنین پروژه‌هایی پرهیز می‌کند.^۲ این بانک‌ها لزوماً نیازی به حجم بالای سرمایه برای اثرگذاری بر تخصیص منابع بخشی ندارند؛^۳ منابع مالی آنها در بیشتر موارد به پروژه‌های بسیار بزرگ و مهم اقتصادی که دارای آثار سرریز به بخش‌های دیگر اقتصاد هستند، تخصیص داده می‌شود.^۴ بانک‌های توسعه‌ای بیشتر نقش کاتالیزور را در جذب منابع مالی خصوصی برای پروژه‌های غیر جذاب ایفا می‌نمایند.^۵

در این بررسی استدلال می‌شود که با پشتیبانی و حمایت وزارتخانه‌های دارایی و اقتصاد، KfW موفق به افزایش اندازه و حفظ طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های هدفمند بخشی خود در دوران پس از

1. State's Agent

2. Amsden, A. H. (2001); Kindleberger, C. P. (2015); Mazzucato and Penna. (2016); Mertens and Thiemann. (2017) and Verdier. (2000).

۳. از دسامبر ۲۰۱۵، KfW حدود ۱۴ درصد از کل وام‌های اعطایی بانک‌های آلمان به بخش شرکتی و غیرمالی را به خود اختصاص داده است (KfW، ۲۰۱۵، پایگاه داده سری‌های زمانی بانک مرکزی آلمان).

4. Hopewell, K. (2017).

5. Griffith-Jones. (2016).

جنگ جهانی دوم شده است. این اقدامات با وجود افزایش محدودیت‌های خارجی و چالش‌های داخلی پس از دهه ۱۹۷۰ صورت گرفته‌اند. از جمله این چالش‌ها و محدودیت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تشدید فشارهای مالی پس از دهه ۱۹۸۰ که در قالب فشار بر هزینه‌های دولت تجلی پیدا کرد؛

۲. مقررات جدید در تجارت بین‌المللی که تأمین مالی یارانه‌ای صادرات را محدود کرد (این یکی از ابزارهای کلیدی سیاست‌گذاری صنعتی KfW است)؛

۳. پیوستن به اتحادیه اروپا، به‌ویژه در راستای قانون یارانه‌های دولتی اتحادیه اروپا، با هدف محدود کردن سیاست‌های صنعتی کشورهای عضو.

یافته‌های این پژوهش در مورد نقش KfW در سیاست‌های صنعتی گزینشی پس از دهه ۱۹۸۰، این فرض را که در ادبیات با نام «همگرایی» مطرح شده به چالش می‌کشد. بر این اساس، جهانی شدن و گسترش توافقات تجاری و سرمایه‌گذاری، بسیاری از سیاست‌های صنعتی را از دور خارج کرده است؛ در حالی که سیستم مالی آلمان همگرایی را با هدف تبدیل به یک سیستم مبتنی بر بازار تجربه می‌کند، افزایش هم‌زمان مداخلات دولت نه تنها زیان‌های وارده به بخش‌های تولیدی به‌دنبال کاهش تأمین مالی بانک‌های خصوصی پس از آزادسازی را "جبران" کرده است، بلکه توانسته به‌عنوان بخشی از سیاست‌های صنعتی این کشور، در توسعه و گسترش بخش‌های استراتژیک و وارد کردن بنگاه‌های داخلی در بازار رقابت‌های بین‌المللی موفق عمل کند. افزون بر این، جهانی‌سازی به‌جای آنکه مانع از اعطای وام‌دهی هدفمند توسط KfW شود، در عمل به روش‌های مختلف آن را امکان‌پذیر کرده است؛ در صورتی که فرآیند جهانی‌سازی مالی در دهه ۱۹۸۰ آغاز نمی‌شد، بازارهای سرمایه بین‌المللی عمیق و نقدی نیز، به‌عنوان منبع تأمین مالی KfW و در شرایطی که منابع داخلی دیگری در دسترس نبودند، نمی‌توانست تشکیل شود.

البته، مطالعه حاضر این واقعیت را نیز به‌روشنی نشان داده که جهانی‌سازی برای تمام دولت‌ها به‌طور یکسان آثار مثبت و تقویت‌کننده نداشته است. آلمان نمونه خوبی از کشورهایی است که به‌سبب بهره‌مندی از مزیت اقتصاد پیشرفته خود در مقایسه با کشورهای در حال توسعه، در تغییر جهت

محدودیت‌های حاصل از جهانی‌سازی به سود خود و افزایش قدرت رقابت‌پذیری صنعتی در فضای بین‌المللی موفق عمل کرده است. پول جهانروای آلمان و ریسک اعتباری پایین اوراق بهادار دولتی آن در بهره‌مندی KfW از وجوه بازارهای سرمایه بین‌المللی به‌منظور گسترش فعالیت‌ها نقشی کلیدی ایفا می‌نماید. به روش مشابه، موقعیت قدرتمند آلمان در اقتصاد سیاسی جهان با عضویت این کشور در اتحادیه اروپا تقویت شده و جایگاه آن به‌عنوان یک قدرت مسلط منطقه‌ای، به این کشور اجازه داده تا موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی و همین‌طور توافق‌های ترجیحی در سطح قاره اروپا را با بهره‌برداری از نقاط ضعف آنها به نفع KfW، طراحی و تنظیم نماید. البته این بدان معنا نیست که آزادی عمل اقتصادهای پیشرفته برای آنان امکان سوءاستفاده را فراهم می‌آورد. این موضوع بیشتر به سیاست داخلی کشورها بستگی دارد. به‌عنوان مثال، در حالی که KfW در اعمال سیاست‌های خود از حمایت قوی وزارتخانه‌ها و احزاب مختلف در آلمان برخوردار است، در سوی دیگر، دنیای اقتصاد پیشرفته‌ای مانند ایالات متحده آمریکا در اجرای همان سیاست‌ها با محدودیت‌هایی مواجه است؛ چرا که سیاست‌های داخلی، آزادی عمل او را محدود کرده‌اند.

در این پژوهش، به‌منظور تحلیل عملکرد KfW در زمینه سیاست صنعتی، از بایگانی گزارش‌های اقتصادی مربوط به سال‌های ۱۹۴۹ تا ۲۰۱۵ میلادی که از دفتر KfW در برلین استخراج شده، استفاده شده است. بر این اساس، داده‌های مالی و اطلاعات مربوط به منابع تأمین مالی و وام‌دهی‌های بخشی گردآوری و تحلیل شده است. افزون بر داده‌های کمی، از جنبه کیفی گزارش‌ها به‌منظور درک تغییرات دوره‌ای در مدل کسب‌وکار، اولویت‌های سیاست صنعتی و چگونگی ارتباط KfW با وزارتخانه‌های فدرال استفاده شده است. برای دستیابی به اطلاعات تکمیلی و انجام تحلیلی جامع‌تر، پنج مصاحبه تخصصی نیز انجام شد: ابتدا با مقامات کلیدی KfW و سپس با انجمن بانک‌های دولتی،^۱ انجمن بانک‌های پس‌انداز و منطقه‌ای،^۲ انجمن صنایع کوچک و متوسط^۳ و بانک توسعه دولتی برلین.^۴

1. Verband öffentlicher Banken - VOEB. (2016).

2. Deutscher Sparkassen und Giroverband - DSGV

3. Deutscher Mittelstandsverband

4. Investitionsbank Berlin

دسته بندی ادامه مطالب این مقاله به شرح زیر است:

بخش تجربی با معرفی ساختار حاکمیتی KfW آغاز شده و نشان می دهد که فعالیت های این بانک در واقع، منعکس کننده سیاست های گسترده تر یا همان سیاست های دولت در سطح کلان است. در ادامه، اولویت های سیاست صنعتی KfW در دوران پس از جنگ معرفی می شود. سپس، در خصوص برخی چالش های مهم که KfW پس از دهه ۱۹۷۰ با آن مواجه بوده، بحث شده و نشان داده می شود که این بانک چگونه توانسته با هدایت چالش ها در مسیری منطبق با قوانین رسمی سیستم های مالی و تجاری بین المللی، اولویت های اصلی سیاست گذاری صنعتی را حفظ نماید. در نهایت، سیاست صنعتی KfW پس از دهه ۱۹۸۰ با مدل پس از جنگ مقایسه شده و مشخص می شود که با وجود برخی تغییرات مهم، بسیاری از کارکردهای اصلی سیاست صنعتی KfW همچنان به قوت خود باقی مانده است.

KfW، بانک توسعه آلمان

KfW در سال ۱۹۴۸، از یک سوی با هدف توسعه و ارتقای کشور و از سوی دیگر، تأمین منابع مالی و به منظور هدایت منابع طرح مارشال در جهت بازسازی اقتصاد و تبدیل آن به اقتصاد واقعی، "تحت قانون KfW"^۱ و بر اساس حکم دولتی بنیان گذاشته شد.^۲ ارتباط نزدیک میان وزارتخانه های دولت فدرال و KfW در ضمانت نامه عمومی دولت مرکزی قانون KfW (ماده ۱-الف) و همین طور ساختار حاکمیتی این بانک مشخص است. تجزیه و تحلیل وضعیت هیأت مدیره بانک در طول زمان نشان می دهد که وزیر دارایی معمولاً به عنوان رئیس هیأت مدیره و وزیر اقتصاد به عنوان معاون بانک به انجام وظیفه می پردازند. در کنار آنها، نمایندگان از وزارتخانه های دیگر فدرال و همچنین صنایع دیگر، انجمن های تجاری و بانکی، اتحادیه های کارگری، و قانونگذارانی از بدنه مجلس به عنوان نمایندگان دولت های فدرال، کرسی های دیگر را در اختیار دارند.^۳

1. Law for KfW (Gesetz über die Kreditanstalt für Wiederaufbau)

۲. قانون KfW، ماده ۲، بخش ۱.

۳. گزارش های سالانه KfW.

مصاحبه‌ها بر همکاری نزدیک میان KfW با دولت و تداوم این روند تا به امروز تأکید داشته‌اند. نظری یکی از کارمندان بانک در این خصوص بدین شرح است:

"جلسات دوره‌ای به صورت منظم برگزار شده و اعتماد عمیقی بین بانک و نهادهای دولتی وجود دارد. وزارتخانه‌های "امور اقتصادی و انرژی" و "امور مالی" به طور معمول با هدف ارائه طرح‌های جدید و ابتکاری به منظور تأمین مالی برنامه‌ها در جلسات شرکت کرده و از KfW درخواست برنامه اجرایی می‌کنند. KfW نیز به نوبه خود میزان اعتبار تخصیصی و چگونگی پیاده‌سازی برنامه‌ها را پیشنهاد می‌دهد. در پاره‌ای موارد، KfW تلاش می‌کند از طریق گفتگوی مستقیم با نمایندگان مجلس، ایده‌های پیشنهادی را معرفی کرده و پیاده‌سازی آنها را امکان‌پذیر نماید. نمایندگان نیز در ادامه، مباحث را به دوستان خود در گروه‌های کاری مرتبط منتقل می‌نمایند."

نماینده "انجمن بانک‌های دولتی" (سازمانی که وظیفه لابی‌گری از سوی بانک‌های دولتی را بر عهده دارد)، در مصاحبه خود بر این نظر بود که KfW نیازی به لابی‌گری داخلی ندارد، چرا که خود اساساً در حکم وزارتخانه‌های اقتصاد و دارایی است. در فهرست نمایندگان لابی‌گر با حق دسترسی نامحدود به پارلمان آلمان، منتشر شده در سال ۲۰۱۵، نام KfW به عنوان بانک برخوردار از بیشترین تعداد لابی‌گر، که آزادانه، بدون قرار پیشین و در هر زمان می‌توانستند وارد مجلس شوند، در صدر به چشم می‌خورد.^۱

KfW در دوران پس از جنگ جهانی دوم

از ابتدای آغاز به کار، KfW نقش مهمی در هدف‌گذاری بخشی در اقتصاد آلمان داشته است. بر اساس گزارش معاون، هرمان جی. اِبِس،^۲ فعالیت‌های KfW (در دوران پس از جنگ) دقیقاً به گونه‌ای نبوده که تصویری ایده‌آل از اقتصاد بازار آزاد باشد. به بیان بهتر، این بانک در این دوران بیشتر مشغول هدایت سرمایه بوده است.^۳ گزارش‌های سالانه KfW نشان می‌دهد که مشکل اصلی اقتصاد از ابتدا نه کمبود

۱. روزنامه .F.A.Z.، (۲۰۱۵).

2. Hermann J. Abs.

۳. هریس به نقل از اِبِس، (۱۹۹۸)، صفحات ۳۷ و ۳۸.

سرمایه بلکه "هدایت نادرست آن به لحاظ اقتصادی بوده که سبب شده تا سرمایه کافی برای سرمایه گذاری در صنایعی که از اهمیت اساسی در ساخت بنیان های تولید برخوردارند، در دسترس نباشد".^۱

اولویت مشخص KfW، ارتقای صنایع برخوردار از فناوری پیشرفته با ارزش افزوده بالاست؛ چرا که "تخصص در فرآیندهای سطوح بالای فناوری، نه تنها به حفظ موقعیت رقابتی در بازارهای جهانی، بلکه به تغییر ساختار مورد نیاز اقتصاد کمک شایانی می نماید".^۲ KfW به بخش کالاهای سرمایه ای نگاه ویژه ای دارد؛ این امر به دلیل نقش این کالاها از نظر "رهبری فناورانه بخش های دیگر" و ایجاد اشتغال بوده و همچنین به دلیل آن است که نوآوری در این بخش به پیشرفت بخش های دیگر منجر شده و پیش شرط لازم برای افزایش بهره وری آنهاست.^۳

عملیات تأمین مالی بین المللی به ویژه ظرفیت تأمین مالی صادرات در بلندمدت، برای KfW به عنوان یک آژانس رسمی^۴ برخوردار از حمایت دولتی، در حفظ توان رقابت پذیری شرکت های آلمانی در بازارهای صادراتی^۵ و افزایش ظرفیت تولید کالاهای سرمایه ای به منظور دستیابی به صرفه های ناشی از مقیاس، حیاتی تلقی شده است: "هدف از تأمین مالی صادرات به طور کلی، تسهیل توسعه کارخانه هایی است که نیاز به استفاده از دانش و فناوری های پیچیده دارند، ولی بازار داخلی آلمان در بیشتر موارد برای احداث و توسعه اقتصادی چنین کارخانه هایی، بسیار کوچک است".^۶

ایجاد مازاد حساب جاری برای حفظ پول قوی به عنوان یک ضرورت دیده شده و در دوره ای که آلمان کسری بودجه را تجربه می کرد، یکی از اولویت های KfW به شمار می رفت. در دهه ۱۹۵۰، گزارش KfW چنین آمده بود: "در چنین شرایطی، مهم ترین اقدام کاهش تراز تجاری منفی است؛ در چنین شرایطی، توصیه می شود که مصرف داخلی محدود شده و در نتیجه، صادرات به قدری افزایش یابد

1. KfW. (1950). pp. 21-22.

2. KfW. (1975). p. 72.

3. Ibid.

4. Export Credit Agency (ECA)

5. KfW. (1974). p. 69.

6. KfW. (1974). p. 72.

که دستیابی به تعادل در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر شود.^۱ زمانی که آلمان بار دیگر در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۲ با کسری بودجه مواجه شد،^۲ در گزارش‌های KfW بر نقش این بانک در ایجاد مازاد حساب جاری صحنه گذاشته شد: "تأمین مالی بلندمدت صادرات به افزایش توان رقابتی صادرکنندگان آلمانی کمک می‌کند، که این امر به‌نوبه خود به معنای تلاش برای حفظ و افزایش فروش در بازارهای خارجی است. بدین ترتیب، کسری حساب جاری به‌میزان چشم‌گیری کاهش یافته و به ایجاد اشتغال در کشور کمک می‌شود."^۳ اگرچه بر اساس گزارش KfW، تأمین مالی صادرات در مقایسه با ارزش کل صادرات آلمان رقم چشم‌گیری نیست،^۴ ولی در تسهیل مالی پروژه‌های بزرگ در بخش کالاهای سرمایه‌ای نقش مهمی ایفا می‌نماید؛ از جمله این پروژه‌ها می‌توان به کارخانجات بزرگ، صنایعی همچون هواپیماسازی و کشتی‌سازی و بازارهای جدید و پرخطری اشاره کرد که بانک‌های بزرگ بخش خصوصی، به دلیل ریسک بالا یا حجم بالای وام مورد نیاز، مایل به ارائه تسهیلات به آنها نیستند.^۵ تسهیلات مالی صادراتی KfW، هر دو گروه شرکت‌های آلمانی و خریداران خارجی کالاهای آلمانی را دربرمی‌گرفت. همچنین، به‌منظور کمک به صادرکنندگان آلمانی و بُردن قراردادهای بین‌المللی در رقابت با همتاهای دیگر و نیز تسخیر بازار کشورهای در حال توسعه و تازه استقلال یافته، یارانه چشم‌گیری به این تسهیلات پرداخت می‌شد. البته این امر به‌صورت بسیار گزینشی صورت می‌گرفت؛ برنامه "تأمین مالی صادرات" در بیشتر موارد با هدف حمایت از صادرات محصولات صنعتی و ماشین‌آلات توسط گروه کوچکی از شرکت‌های مشهور مانند زیمنس، کراپ، فروستال، آید، فریتز ورنر و آ.ا.گ.^۶ به اقتصادهای در حال توسعه و تازه استقلال یافته مهم صورت می‌پذیرفت.^۷ در عین حال، برنامه‌های ویژه‌ای نیز به‌طور جداگانه برای تأمین مالی صادرات صنایعی همچون کشتی‌سازی و هواپیماسازی طراحی می‌شد.^۸ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)، به‌عنوان مکمل تأمین مالی صادرات و به‌منظور تشویق سرمایه‌گذاری شرکت‌های آلمانی

1. KfW. (1950). p. 19.

2. KfW. (1982). p. 69.

3. KfW. (1981). p. 17.

۴. ارزش کل صادرات تأمین مالی شده توسط KfW در سال ۱۹۷۴، حدود ۱۰ درصد از حجم صادرات کالاهای سرمایه‌ای با دوام به کشورهای در حال توسعه را تشکیل می‌داد. سهم این کالاها از کل صادرات آلمان حدود ۵ درصد بود (KfW، ۱۹۷۴، ص. ۷۲).

5. Harries. (1998).

6. Siemens, Krupp, Ferrostaal, Ihde, Fritz Werner and AEG

7. Harries. (1998). p. 93.

۸. گزارش‌های سالانه KfW.

در خارج از کشور، اعطای وام برای تهیه مواد خام و اعطای کمک‌های توسعه‌ای خرید کالا و خدمات،^۱ با نرخ‌های بهره پایین انجام می‌شد. هدف از این اقدام گشودن درب کشورهای در حال توسعه به روی صادرات آلمان و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود.^۲ به‌طور معمول بیشتر از ۶۰ درصد کمک‌های توسعه‌ای KfW به‌طور مستقیم به بنگاه‌های آلمانی بازمی‌گشت و بیشتر پروژه‌ها توسط بنگاه‌های مهندسی آلمانی به اجرا درمی‌آمد.^۳

فعالیت‌های داخلی KfW در این دوران بر دستیابی به اهداف ساختاری در بخش‌های اقتصاد و توسعه متمرکز بود.^۴ این برنامه‌ها شامل اعطای تسهیلات یارانه‌ای بلندمدت داخلی بود که از طریق پرداخت تسهیلات دریافتی از بانک‌های خصوصی و دولتی اجرایی شده و صنایع برخوردار از ارزش افزوده بالا را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مورد حمایت قرار می‌داد. پس از سپری شدن دوره نخست بازسازی پس از جنگ جهانی دوم، KfW فعالیت‌های خود را بیش از پیش بر وام‌دهی صنعتی بلندمدت متمرکز نمود که ضرورت آن، در شرایط نبود بازار سرمایه و وجود مشکلاتی که بنگاه‌ها در زمینه تأمین مالی از طریق منابع داخلی با آن مواجه بودند، به‌شدت احساس می‌شد.^۵ افزون بر ارائه کمک‌های مستقیم به بخش تولید، به‌ویژه در حوزه‌های مهندسی مکانیک، مهندسی برق، خودروسازی و کشتی‌سازی، مبالغ چشم‌گیری نیز توسط KfW برای حمایت از بخش‌های جانبی تولید مانند پژوهش و توسعه، صنایع پایه‌ای مانند فولاد و مواد شیمیایی، ساخت مسکن، حمل و نقل و ارتباطات پرداخت شد.^۶ در این میان،

1. Tied and Untied Development Aid:

کمک‌های توسعه‌ای Tied کمک‌هایی هستند که دریافت‌کننده را ملزم به خریداری کالا و خدمت از کشور تأمین‌کننده می‌نمایند؛ درحالی که اگر کمک توسعه‌ای از نوع Untied باشد، چنین الزامی برای دریافت‌کننده وجود ندارد؛ بدین معنا که کشور دریافت‌کننده مساعدت مالی، می‌تواند رقم دریافتی را صرف خرید کالا و خدمت از کشورهای دیگر نماید.
۲. گزارش‌های سالانه KfW.

3. KfW. (1980). p. 98.

4. KfW. (1968). p. 84.

5. KfW. (1968). p. 87.

۶. گزارش‌های سالانه KfW.

اولویت با پروژه‌های "سان‌رایز"^۱ در مناطق کمتر توسعه‌یافته بود، با این هدف که مقامات دولتی نیز به این عرصه ورود کرده و حمایت‌های مالی لازم را ارائه نمایند.^۲

همچنین، KfW یارانه‌های ویژه‌ای را به بهبود بهره‌وری در صنایع رو به افول مانند فولاد، زغال‌سنگ، کشتی‌سازی و منسوجات، به‌منظور افزایش کارایی ظرفیت‌های موجود از طریق تبدیل از یک شکل تولید به شکلی دیگر، ادغام کارخانه‌های تولیدی، معرفی روش‌های فنی مدرن^۳ و همین‌طور ترویج و ارتقای تدارکات و تجهیزات مورد نیاز برای راه‌اندازی عملیات صنعتی جدید با چشم‌انداز مطلوب از آینده اختصاص داد.^۴ از سال ۱۹۷۱ تاکنون، روزبه‌روز بر اهمیت برنامه‌هایی که به‌منظور تأمین مالی سرمایه‌گذاری بنگاه‌های کوچک و متوسط (برنامه‌های Mittelstand یا M) طراحی می‌شوند افزوده شده، چرا که KfW معتقد است SMEها در مقایسه با رقبا (شرکت‌های بزرگ) در تأمین مالی با مشکلات بزرگتری مواجه هستند. برای رفع این نقص و به‌منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های خاص، دولت فدرال برنامه‌های مختلفی را برای حمایت از این شرکت‌ها اجرا کرده است.^۵ این اقدام در راستای نیاز روزافزون به بنگاه‌های بسیار تخصصی SME در ارائه خدمات صنعتی در بخش‌های پژوهش، توسعه، ارتباطات و بخش‌های دیگر صورت گرفته است.^۶

یک مثال خوب از چگونگی به اجرا درآمدن سیاست‌های صنعتی‌گزینشی توسط KfW در دوران پس از جنگ، ایده توسعه هواپیماهای غیرنظامی بزرگ بود. این بخش در دسته‌بندی بخش‌های خاص

۱. Sunrise Projects: این پروژه‌ها فعالیت‌های موجود در زنجیره نوآوری از جمله شناسایی مشکلات تحرک، توسعه ایده‌های نوآورانه، اجرای دقیق و ارزیابی نظم‌مند اهداف، درس گرفتن از تجربیات پیشین و انتشار یافته‌ها برای دستیابی دقیق و هر چه سریع‌تر به اهداف طراحی‌شده را دربرمی‌گیرد. ساکنان محلی، کسب‌وکارها و ذینفعان دیگر در تمام مراحل مشارکت داشته و به روحیه «هم‌آفرینی» سان‌رایز کمک می‌نمایند. در ضمن، تمرکز ویژه‌ای بر مشارکت‌دادن گروه‌های اقلیت از جمله مهاجران، زنان، افراد مسن و جوان‌ترها صورت می‌گیرد. پروژه سان‌رایز به‌نوبه خود توانسته پایه و اساس لازم را برای تکمیل طرح‌های جابه‌جایی پایدار شهری (SUMP) ایجاد نماید.

2. KfW. (1968). p. 84.

3. Ibid.

4. KfW. (1970). p. 120.

5. KfW. (1970). p. 121.

6. KfW. (1971).

قرار می گرفت که به لحاظ تأمین انرژی و فناوری، اهمیت ویژه ای برای آلمان داشت.^۱ توسعه صادرات هواپیما برای آلمان از این نظر اهمیت داشت که بازار داخلی برای فروش این دسته از محصولات ظرفیت محدودی داشته و تنها با کمک صادرات می توانست مقیاس تولید را افزایش دهد؛ بدین ترتیب، تولید مقرون به صرفه بوده و استانداردهای بالای فناوری محقق می شد.^۲ هدف دولت از ارائه کمک به شرکت ایرباس،^۳ که در سال ۱۹۷۰ تأسیس شده و اکنون به عنوان بزرگترین تولیدکننده هواپیما در قاره اروپا فعالیت می کند، سهمین شدن در سود این صنعت در بازار جهانی بود؛ این در شرایطی بود که در آن برهه زمانی، بازار جهانی این صنعت به طور کامل در اختیار تولیدکنندگان به نام آمریکایی مانند بوئینگ، داگلاس و لاکهید^۴ قرار داشت.^۵

با توجه به حجم بالای تأمین مالی و همین طور ریسک ذاتی چشم گیر در این بخش، بانکهای خصوصی نمی توانستند در آن زمان نقش چندانی در تأمین مالی صادرات ایرباس ایفا نمایند؛^۶ بنابراین، به منظور تأمین مالی ایرباس که در آن زمان یک شرکت زبان ده محسوب می شد، KfW از سوی وزارت اقتصاد مأموریت یافت تا به عنوان بانک هماهنگ کننده بین آلمان و شرکای اروپایی وارد عمل شود.^۷ KfW و جوهی را به صورت ویژه از وزارت اقتصاد دریافت کرده و به منظور اعطای وامهای بارانه ای صادرات و به پشتوانه ضمانت نامه های دولتی، به صادرات هواپیما اختصاص داد.^۸ این اقدام، شرکت ایرباس را قادر نمود هواپیماهای خود را به خریداران پر ریسک آمریکایی^۹ که هیچ گاه نمی توانستند از بخش خصوصی

1. KfW. (1975). p. 32.

2. Ibid.

3. Airbus

4. Boeing, Douglass and Lockheed

5. Harries. (1998). pp. 135-137.

6. Ibid.

7. KfW. (1975). p. 62.

8. Ibid.

۹. به عنوان مثال، KfW در سال ۱۹۷۸، فروش هواپیما توسط ایرباس به شرکت خطوط هوایی شرق (Eastern Airlines) را که در آن زمان یکی از ضعیفترین ایرلاین های آمریکا بود، تأمین مالی نمود. البته این ایرلاین سرانجام ورشکسته شد (هریس. (۱۹۹۸)، ص. ۱۳۶).

وام دریافت کنند، بفروشند؛ بدین ترتیب، ایرباس می‌توانست به بازار داخلی آمریکا نفوذ کرده و میزان تولید خود را افزایش دهد. این راهبرد بین‌المللی با اعطای وام‌ها و کمک‌های مالی داخلی به بخش‌های ساخت هواپیما و پژوهش و توسعه در علوم و صنایع هوایی تکمیل شد.^۱ این ظرفیت مالی و دولتی بزرگ سبب شد سهم بسیار کوچک ایرباس از بازار بین‌المللی در سال ۱۹۷۰ (تنها ۵ درصد)، رشد چشم‌گیری را در ابتدای دهه ۱۹۸۰ تجربه نماید؛ بدین ترتیب، ایرباس موفق شد محصولات خود را به برجسته‌ترین ایرلاین‌های آمریکا، اروپا و شرق آسیا بفروشد. البته، از این نظر بوئینگ همچنان در جایگاهی بسیار جلوتر از ایرباس قرار داشت.^۲

چالش‌های پیش‌روی KfW در عصر جهانی‌سازی: عقب‌نشینی یا پیشروی؟

مدل اقتصادی آلمان پس از جنگ، در مواجهه با شوک‌های متعدد پس از دهه ۱۹۷۰، از جمله بحران نفت و همین‌طور تجربه دو دهه رشد که سرانجام به بحران اقتصادی و رکود تورمی دامن زد، با تغییر و تحول جدی مواجه شد. با توجه به نقش دولت و آزادسازی مالی، تحولات بسیاری در ادبیات سیاسی دهه ۱۹۸۰ صورت گرفت، در حالی که تغییرات سیاستی در دهه ۱۹۹۰ به اوج رسید.^۳

از دهه ۱۹۸۰ تاکنون، سیاستمداران طرفدار احتیاط مالی بیشتر چهره‌های برجسته حزب لیبرال دموکرات آزاد بوده‌اند؛^۴ این در حالی است که گروه‌های کاری مجلس خواستار نظارت بیشتر بر ابزارهای سیاست صنعتی از جمله ارزیابی دقیق‌تر یارانه‌های دولتی هستند.^۵ آلمان نیز همانند اقتصادهای دیگر پیش‌رفته، فرآیند آزادسازی مالی داخلی را پس از دهه ۱۹۸۰ آغاز کرده و بخش مالی آن به طرز چشم‌گیری به سمت فعالیت‌های مالی سوداگرانه حرکت کرد.^۶ این فرآیند سرانجام نابودی شبکه بانکی و بیمه^۷ را در دهه ۱۹۹۰ به دنبال داشت.^۸ در سطح بین‌المللی، آزادسازی حساب سرمایه پس از دهه

1. KfW. (1975 , 1967).

2. Harries. (1998) and Majumdar. (1987).

3. Kitterer. (1998). pp. 231-233 and Sablowski. (2009).

4. Abelshauer. (2001). p. 135.

5. Bundestagsdrucksache. (1984).

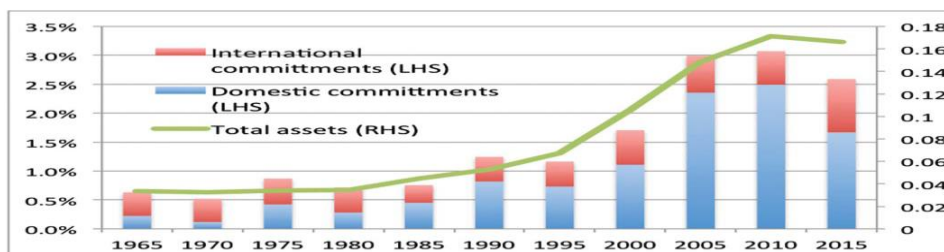
6. Detzer, et. (2013).

7. Deutschland AG

8. Beyer and Hopner. (2003).

۱۹۷۰ و گسترش توافق های تجاری و سرمایه گذاری های بین المللی در دهه ۱۹۹۰، از جمله روند پیوستن به اتحادیه اروپا، به شکل گیری چالش های جدید برای این کشور منجر شد. در این شرایط، KfW نه تنها موفق شد از "چرخش نئولیبرال" ^۱ جان سالم به در ببرد، بلکه توانست از فرصت استفاده کرده و بر اهمیت خود افزوده و فعالیت های خود را به ویژه پس از دهه ۱۹۹۰، به نحو قابل ملاحظه ای گسترش دهد (شکل ۱).

شکل ۱. دارایی و تعهدات وام دهی KfW براساس درصد از GDP.



مأخذ: گزارش های سالانه KfW، اداره آمار فدرال.

نکته: تعهدات شامل وام ها، کمک های مالی و ضمانت ها، بجز مشاوره و خدمات است؛ GDP دویچه مارک (دی ام) ^۲ بر اساس نرخ ارز رسمی، هر یورو مساوی ۱/۹۵۵۸۳ دویچه مارک برای دوره زمانی ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۹، محاسبه شده است.

پس از دهه ۱۹۸۰، KfW با افزایش تقاضا برای پرداخت وام مواجه شد؛ چرا که بانک های خصوصی و بزرگ که پیشتر نقش مهمی در تأمین مالی بلندمدت طرح های صنعتی ایفا می کردند، پس از دهه ۱۹۷۰ به جای وام دهی به بخش واقعی، به سمت فعالیت های سوداگرانه و مبتنی بر کارمزد تغییر مسیر داده بودند؛ بنابراین، KfW باید برای پر کردن این شکاف وارد عمل می شد. ^۳ از سوی دیگر، KfW با

۱. لیبرالیسم، از منظر اقتصادی و در یک تعریف ساده و کلی، دیدگاهی است که رقابتی شدن اقتصاد و کاهش مداخله دولت ها را ترویج می کند. هواداران نئولیبرالیسم بر ارزش هایی مانند مالکیت خصوصی، رشد فردگرایی، نگرش تجربی و باز، دیدگاه جهانی، خوش بینی به آینده، تأکید بر تغییر و ساخت جهانی بهتر صحنه می گذارند.

2. Deutsche Mark (DM)

3. Deeg, R. (1999). p. 80.

افزایش تقاضای وام‌دهی برای برنامه‌های مشهور خود موسوم به "M" مواجه بود،^۱ و^۲ زیرا آزادسازی مالی و خامت شرایط اعتباری برای SMEها را سبب شده بود.^۳ اهمیت KfW در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ باز هم بیشتر شد (شکل ۱). از آنجا که آزادسازی در بخش مالی با شدت هرچه تمام‌تر ادامه داشت، شبکه بانکی و بیمه منحل‌شده و اتحاد دو آلمان به تقاضای بیشتر برای منابع مالی KfW منجر شد.^۴ پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸، KfW نقش یک تثبیت‌کننده مهم و ضدچرخه‌ای را در شرایط نبود شبکه بانکی بر عهده گرفت که باعث شد تقاضا برای وام‌دهی این بانک به نقطه اوج تازه‌ای برسد. در سال‌های پس از بحران، وام‌های داخلی برای تضمین عرضه بلندمدت شرکت‌ها در اقتصاد واقعی و همین‌طور نجات شرکت‌های بیمار اعطا می‌شد (شکل ۱، گزارش‌های سالانه KfW). حال، پرسش اینجاست که با توجه به چالش‌های ناشی از جهانی‌سازی اقتصاد که در بالا ذکر شد، KfW چگونه توانست به این افزایش چشم‌گیر در اندازه عملیات خود دست پیدا کند؟

مدیریت بحران مالی: KfW به بازارهای مالی بین‌المللی راه پیدا می‌کند

نگرانی‌ها در مورد کسری بودجه و تورم پس از دهه ۱۹۸۰ آغاز شده و در دهه ۱۹۹۰ با معرفی معیارهای ماستریخت،^۵ شدت گرفت. در این زمان، KfW با افزایش تقاضا برای وام‌دهی مواجه‌شده و درگیر مشکلات مالی شد. بانک این مشکل را با استفاده از تضمین دولتی حل نموده و منبع تأمین مالی خود را از منابع بودجه‌ای به استقراض کم‌هزینه از بازارهای سرمایه داخلی و بین‌المللی تغییر داد. این بدان دلیل بود که اعطای تسهیلات توسط KfW از محل منابع گردآوری‌شده از بازارهای خصوصی تأثیری در بدهی دولت

۱. این برنامه‌ها از دهه ۱۹۸۰ نقش مهمی در تأمین مالی سرمایه‌گذاری SMEها ایفا کرده‌اند؛ در سال ۱۹۸۵، KfW چهل‌وپنج درصد کل سرمایه‌گذاری شرکت‌های تولیدی کوچک (با درآمد کمتر از ۵ میلیون مارک آلمان) و ۲۰ تا ۲۵ درصد سرمایه‌گذاری شرکت‌های متوسط (با درآمد بین ۵ تا ۱۰ میلیون مارک آلمان) را تأمین مالی نمود (گوته، ۱۹۸۸).

2. Harries, H. (1998). p. 162.

3. Bluhm and Schmidt. (2008). p. 34 and Deeg. (1999). p. 60.

4. KfW. (1990-1994).

5. Maastricht Criteria

نداشت. عملیات بازار سرمایه KfW پس از دهه ۱۹۸۰ بسیار موفق بود، زیرا با وجود محدودیت‌های بودجه‌ای داخلی، این بانک می‌توانست مقادیر زیادی وام اعطا کند. KfW یکی از نخستین بانک‌های توسعه ملی بود که دستورات فرا ملی بانک جهانی و بانک سرمایه‌گذاری اروپا در مورد پیوستن به بازارهای بین‌المللی سرمایه و بهره‌برداری از آن را دنبال نمود.^۲

در دوران پس از جنگ، KfW در بیشتر موارد به بودجه دولت فدرال و برنامه بازسازی اروپا (ERP)^۳ متکی بود.^۴ بودجه دولتی بیش از ۶۰ درصد کل مبلغ بودجه KfW را تشکیل می‌داد^۵ و تأمین مالی خصوصی تنها نقش حمایتی ایفا می‌کرد.^۶ در پایان دهه ۱۹۷۰، با وجود افزایش فشارها بر دولت برای کنترل مخارج،^۷ دولت فدرال در خصوص ارائه مجوز به KfW برای تأمین مالی خود از بازارهای بین‌المللی احتیاط می‌کرد. تا میانه دهه ۱۹۸۰، KfW محدود به تأمین وجوه از منابع بخش خصوصی داخلی در بازارهای سرمایه نه چندان توسعه‌یافته آلمان بود.^۸ بر این اساس، KfW تنها می‌توانست به صورت نوبتی و با هزینه بالا به اعطای وام بپردازد^۹ که این امر مقیاس عملکرد را محدود می‌کرد.

فروپاشی برتون وودز در دهه ۱۹۷۰ موجب شد تا دولت فدرال ملاحظات پیشین خود را کنار گذاشته و از میانه دهه ۱۹۸۰ به KfW اجازه دهد که اوراق قرضه خود را در بازارهای خارجی سرمایه منتشر نماید.^{۱۰} این امر مزایای فراوانی داشت؛ هزینه استقراض در مقایسه با بازارهای داخلی بسیار پایین‌تر بود، همچنین، انتظار می‌رفت که KfW نقش برجسته‌ای را در بازگشایی درهای بازارهای سرمایه

۱. وام‌های تأمین مالی داخلی که توسط KfW پرداخت می‌شود، به‌طور مستقیم از محل بودجه اصلی فدرال نیست؛ تنها تخصیص‌های مستقیم از بودجه فدرال و ERPها در گزارش‌های دولتی به‌عنوان یارانه رسمی آورده می‌شود (Subventionsberichte Der Bundesregierung) (بانک مرکزی آلمان، ۲۰۰۰)، ص. ۱۸.

2. Licari, J. (1969).

3. European Recovery Program (ERP)

۴. صندوق ERP تحت برنامه مارشال ایجاد شد، اما زمانی که طرح مارشال در سال ۱۹۵۳ به پایان رسید، به صندوقی برای اعطای وام‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت تبدیل شده و طی دهه‌ها بر اساس همین طرح رشد کرد (گزارش‌های سالانه KfW).

۵. گزارش‌های سالانه. (۱۹۷۰-۱۹۵۰).

6. KfW. (1966). p. 68.

7. Walter. (1992).

8. Harries, H. (1998). p. 103.

9. KfW. (1965 , 1974).

10. KfW. (1984). p. 20.

خارجی بر روی شرکت‌های دیگر آلمانی ایفا نماید.^۱ به‌منظور کسب اعتبار در بازارهای بین‌المللی، KfW یکی از نخستین مؤسسات آلمانی بود که برای رتبه‌بندی اعتباری "مودی" و "استاندارد و پور"^۲ در سال ۱۹۸۶ درخواست داد و بالاترین رتبه ممکن یعنی «AAA» را دریافت کرد.^۳ در سال ۱۹۸۷، KfW نخستین شرکت آلمانی بود که توسط کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده به ثبت رسیده و مجاز شد اوراق قرضه خود را در بازار بورس آمریکا عرضه کند. در پایان دهه ۱۹۸۰، ثبت موردی استقرار و پوشش ریسک از طریق پول‌های خارجی با ثبت آنها با ارزش‌های باثبات خارجی شامل دلار، ین ژاپن و فرانک سوئیس جایگزین شد.^۴ تا سال ۱۹۹۰، تسهیلات خارجی بیش از نیمی از منابع مورد نیاز KfW برای تأمین مالی صادرات را پوشش می‌داد.^۵

دوره همگرایی به دنبال پیمان ماستریخت^۶ در سال ۱۹۹۲ تا زمان معرفی یورو، انگیزه جدیدی به دولت آلمان برای انطباق با قواعد بدهی پیمان ثبات و رشد^۷ داد. اجرای سیاست‌های صنعتی از طریق وام‌های خود تأمین مالی KfW حتی جذاب‌تر شد؛ چرا که بر پایه کنوانسیون‌های آماری اروپا، تا هنگامی که تصمیمات تأمین مالی مستلزم تأیید صریح دولت برای پروژه‌ها نمی‌شدند، با وجود داشتن تضمین‌های دولتی، مشمول قانون ۳ درصدی نسبت کسری به GDP نبودند.^۸

معرفی یورو در سال ۱۹۹۹ و پذیرش آن به‌عنوان یک ارز اصلی ذخیره بین‌المللی، نقطه عطفی برای KfW محسوب شد. طیف وسیعی از سرمایه‌گذاران اروپایی و بین‌المللی، علاقه‌مند به عرضه اوراق قرضه بر مبنای یورو بودند. همچنین، این اوراق می‌توانست برای تأمین مالی برنامه‌های داخلی استفاده شود و این به معنای یک منبع بلندمدت و پایدار تأمین مالی ارزان قیمت برای KfW بود. استراتژی رسمی تأمین وجوه KfW به تغییر موقعیت KfW و تبدیل آن به یک ناشر معیار اوراق قرضه اروپایی در

1. KfW. (1987). pp. 51-52.

2. Moody's and Standard and Poor's Credit Ratings

3. KfW. (1986). p. 4.

4. KfW. (1989). p. 14.

5. KfW. (1990). p. 46.

6. Maastricht Treaty

7. Stability and Growth Pact

8. European Commission. (2015) and European Commission. (2002). p. 8.

بازارهای جهانی سرمایه منجر شد.^۱ ادغام این بانک با بانک دولتی دویچه آسگلیچ^۲ در سال ۲۰۰۱، موقعیت KfW را در بازارهای بین‌المللی سرمایه، به لحاظ مقدار بالاتر انتشار اوراق قرضه، بهبود بخشید.^۳ در دهه ۲۰۰۰، KfW بر این باور بود که "موقعیت درجه نخست را به‌عنوان ناشر جهانی (اوراق) برای خود به دست آورده است."^۴ در واقع، اوراق KfW در بازار سرمایه در بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۰۷ ضرر بسیار مختصری را متحمل شد و پس از بحران منطقه یورو، اوراق قرضه KfW به‌واسطه تضمین دولت آلمان به‌عنوان یک دارایی امن شناخته شد. این موضوع موجب شد که KfW بتواند به‌راحتی به مقدار منابع لازم برای تأمین وجوه هدف‌گذاری شده دست یابد.^۵ نرخ بهره‌ای که KfW در هر لحظه از زمان برای بدهی خود (به بازارهای بین‌المللی) می‌پرداخت، بسیار پایین بوده و سودی که از بخش‌های مختلف تجارت به دست می‌آورد، به‌قدر کافی بالا بود که KfW بتواند وام‌های ترجیحی را بدون حمایت مستقیم دولت پرداخت نماید. این امر موجب به‌حداقل رساندن نیاز KfW به بودجه دولتی شده و حجم بودجه مورد نیاز بانک از بودجه فدرال و برنامه بازسازی اروپا را به‌تدریج کاهش داد (شکل ۲). در سال ۲۰۰۷، صندوق برنامه بازسازی اروپا با داشتن منابع مالی برابر ۱۲/۵ میلیارد یورو باردیگر سازمان‌دهی شد و بخش بزرگی از آن به‌صورت سهام به KfW اختصاص داده شد. از این پس، KfW افزایش تأمین مالی خود را از بازار بین‌المللی سرمایه در بیش از ۱۶ کشور و به تمام ارزهای اصلی آغاز کرد و دیگر تنها بخش کوچکی از بودجه آن به‌طور مستقیم از وزارتخانه‌ها تأمین می‌شد.^۶

1. KfW. (2000). p. 9.

2. Deutsche Ausgleichsbank

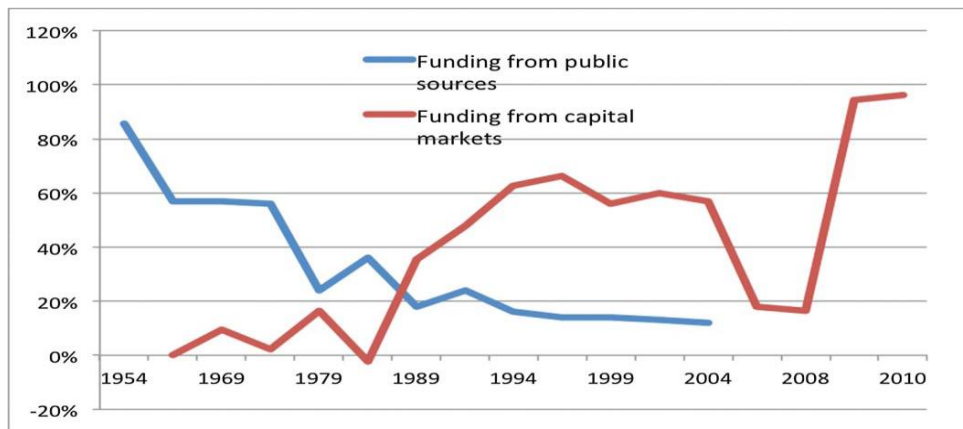
3. KfW. (2000). p. 58.

4. KfW. (2005). p. 84.

۵. هرچند استفاده از بازارهای بین‌المللی منافع زیادی برای KfW دربردارد، اما در صورت تضعیف دولت آلمان و یا یورو به‌عنوان یک ارز قوی، وابستگی این بانک به بازارهای بین‌المللی می‌تواند مخاطرات جدیدی را به‌وجود آورد (KfW، ۲۰۱۰)، ص. ۹۳.

6. KfW. (2008-2015).

شکل ۲. منابع مالی (بودجه‌ای) KfW به صورت درصد از بودجه کل



مأخذ: گزارش‌های سالانه KfW.

توضیح: منابع دیگر مالی شامل وام‌های بانک‌های خصوصی و اسناد بدهی است. داده‌های مربوط به بودجه عمومی، از سال ۲۰۰۴ در گزارش سالانه منتشر نمی‌شود؛ نمودار در سال ۱۹۸۴ منفی است، زیرا KfW مجبور به بازخرید اوراق قرضه خود به منظور حفظ قیمت در بازار شد. کاهش ناچیز وجوه بازار سرمایه در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به علت ریسک‌پذیری در زمان بحران مالی است.

کنار آمدن با مقررات مالی در تجارت جهانی:

تأمین مالی صادرات KfW با حاکمیت نئولیبرالیسم

یکی دیگر از چالش‌های مهم در عملیات KfW، افزایش تعداد موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی بود. ترتیبات OECD در زمینه تأمین مالی صادرات در پایان دهه ۱۹۷۰ و ایجاد سازمان تجارت جهانی (WTO) در سال ۱۹۹۴، اعطای یارانه صادراتی را که ابزار اصلی KfW برای تشویق صادرات در دوران پس از جنگ بود، محدود کرد. توانایی KfW در جذب سرمایه از بازارهای بین‌المللی، این بانک را قادر نمود، وام‌های خود را با نرخ‌ی که مدعی بود "نرخ بازار" است، اعطا نموده و قوانین OECD را دور بزند. با وجود اینکه KfW به طور کامل از چالش‌های سازمان تجارت جهانی، به‌ویژه از قدرت‌های هم‌تراز بزرگ تجاری و یا بازارهای مهم نوظهور مصون نبود، اما فعالیت‌های آن به دلیل قدرت بازار آلمان که با عضویت

در اتحادیه اروپا^۱ افزایش یافته بود و همین طور استراتژی های تهاجمی آن در سازمان تجارت جهانی، مورد تهدید جدی واقع نشد.

ترتیبات OECD

تلاش ها برای محدود کردن رقابت سلطه جویانه بین کشورهای صنعتی در ارائه مزیت هایی به صادرکنندگان از طریق وام دهی یارانه ای صادراتی سبب شد که سرانجام در سال ۱۹۷۸، "قانون رسمی حمایت اعتباری از صادرات" توسط کشورهای عضو OECD، که از این پس به آن "ترتیبات OECD" گفته می شود، به طور رسمی وضع شده و به تصویب برسد.^۲ محدودیت های مشابه بر شرایطی وضع شد که در آن اعتبارات یارانه ای دولتی یا اعتبارات تجاری رسمی می توانست پرداخت شود؛ این موارد شامل نرخ بهره حداقلی، سررسیدهای مطلوب، پیش پرداخت ها و برنامه های بازپرداخت بود که به منظور تشویق رقابت بین صادرکنندگان اعطا می شد.^۳ اصلاحیه های مختلف قانون، میزان یارانه های مجاز را کاهش داده و قواعد ویژه و بخشی تازه ای ایجاد کرد ("تفاهم های بخشی").^{۴ و ۵}

در حالی که KfW به تأمین مالی یارانه دولتی در ظرفیت رسمی خود همچنان به عنوان یک ECA^۶ ادامه می داد، در عین حال، نقاط ضعف این ترتیبات را نیز شناسایی کرده و از سال ۱۹۷۸ توانست در مقابل رقبای OECD برتری خود را حفظ نماید. تا دهه ۱۹۷۰، تمام بودجه صادراتی KfW تاحدودی توسط بودجه دولت فدرال تأمین می شد.^۷ با تشدید قواعد کاری در طول زمان، KfW نیز به طور فزاینده شروع به تأمین وجوه وام های صادراتی، بیشتر از طریق بازار سرمایه بین المللی و بدون هرگونه یارانه مستقیم از دولت فدرال یا ERP، نموده و وجوه یادشده را بر اساس نرخ بهره ای که مدعی بود "نرخ بهره

۱. در سازمان تجارت جهانی، به اتحادیه اروپا "جوامع اروپایی" گفته می شود.

2. Moravcsik. (1989); Mulligan. (2007) and OECD. (2008).

3. OECD. (2008). p. 5.

4. Sector Understandings

5. Mulligan. (2007) and OECD. (2008).

۶. ECA ها نهادهایی دولتی هستند که وام ها، ضمانت ها و بیمه های حمایتی دولت را به شرکت هایی که در خارج از کشور فعالیت می کنند، اعطا می نمایند.

7. KfW. (1970). p. 44.

بازار" است، به صورت تسهیلات ارائه می‌داد. ارائه چنین تسهیلاتی با توجه به قواعد توافق شده، محدود شدنی نبود. اکسیم‌بانک^۱ ایالات متحده که بر رقابت صادراتی نظارت می‌کند، از بازار قرضه تأمین مالی صادراتی به‌عنوان "پنجره فعالیت بازار"^۲ یاد کرده و پنجره‌های بازار را نهادهایی دولتی می‌داند که ادعا می‌کنند اعتبار صادراتی را در شرایط بازار ارائه داده و قواعد ترتیبات OECD را دور می‌زنند.^۳ در حالی که تمام کشورهای بزرگ صنعتی و اقتصادهای بزرگ و نوظهور دارای ECA هستند.^۴ آلمان و کانادا تنها کشورهایی هستند که پنجره‌های بازار پایداری داشته‌اند.^۵

تأمین مالی از طریق پنجره بازار، برای KfW، هم نسبت به ECAهای دولتی و هم بانک‌های تجاری خصوصی، مزیت رقابتی به همراه داشت. تضمین دولتی KfW،^۶ معافیت از مالیات بر سود آن و عدم تعهد پرداخت سود سهام به سهامداران، همگی به‌معنای هزینه‌های پایین‌تر تأمین وجوه بوده و موجب شد که KfW قادر به ارائه وام‌های ارزان‌تر و پذیرفتن ریسک بیشتر نسبت به بانک‌های تجاری باشد.^۷ از سوی دیگر، پنجره بازار KfW موظف به رعایت ترتیبات و الزامات گزارش‌دهی نیست که این امر انعطاف بیشتری برای آن در مقایسه با ECAهای دولتی ایجاد می‌کند.^۹ بر اساس برآورد اکسیم‌بانک

1. EXIM

2. Market Window Activity

3. US EXIM Bank. (2009). p. 79.

4. Hopewell. (2017).

5. Rodriguez. (2001). p. 11.

۶. تضمین دولت برای پنجره بازار KfW تا سال ۲۰۰۸ که عملیات بازار و پنجره رسمی در قالب یک سازمان قانونی انجام می‌شد، کاملاً روشن و مشخص بود. پس از سال ۲۰۰۸، عملیات پنجره بازار KfW به‌طور قانونی با عنوان KfW-IPEX به استقلال رسید، اما همچنان متعلق به شرکت مادر بوده و تضمین دولت را به‌صورت ضمنی در اختیار داشت. این موضوع در بخش بعدی به بحث گذاشته خواهد شد.

۷. شرکت‌ها گزارش کرده‌اند که KfW تأمین مالی پنجره بازار را بر اساس نقطه پایه کامل (Basis Point) که پایین‌تر از بانک‌های تجاری است، ارائه می‌کند (مندلوویتز، ۲۰۰۱)، ص. ۱۷۵)

Basis Point یک واحد اندازه‌گیری برابر با یک‌صدم درصد است. هنگام تعیین تفاوت بین نرخ بهره‌ها لازم است هرگونه ابهام برطرف شود؛ به‌طور مثال: افزایش نرخ بهره از ۰/۷ درصد تا ۷/۲ درصد یعنی تغییر برای ۲۰ نقطه پایه.

8. Mendelowitz. (2001) and US EXIM Bank. (2009). p. 79.

9. Rodriguez. (2001).

ایالات متحده، تا سال ۱۹۹۹، ۸۶ درصد از عملیات تأمین مالی صادرات KfW بر اساس پنجره بازار انجام شده و KfW بزرگترین پنجره بازار جهان را در اختیار داشت.^۱

تداوم حمایت‌های KfW از بخش ساخت هواپیماهای بزرگ غیرنظامی در دوران پس از جنگ ساهدی است بر این مدعا که این ترتیبات نتوانست مانع KfW در ترجیح شرکت‌های آلمانی و اروپایی نسبت به رقبا شود. در سال ۱۹۸۶، توافقنامه اعطای اعتبارات صادراتی به بخش هواپیماهای بزرگ غیرنظامی (LASU)^۲ بین ECAهای اروپایی و اکسپیم‌بانک آمریکا به‌عنوان بخشی از ترتیبات OECD امضا شد.^۳ این توافقنامه کمترین شرایط و ضوابط را برای تأمین مالی یارانه‌ای توسط ECAها ایجاد می‌کرد تا مانع رقابت بین ایرباس و شرکت‌های آمریکایی در تأمین مالی با شرایط یارانه‌ای شود. همچنین، قانون غیررسمی "بازار خانگی"، مقرر کرد که فاینانس فروش ایرباس در بازارهای آمریکایی از طریق ECAهای اروپایی و برعکس ممنوع شود.^۴

KfW این قوانین را با اعطای وام‌های صادراتی به ایرباس بر اساس پنجره بازار و نه در قالب یک ECA دور زد^۵ و بدین ترتیب، خرید ایرباس برای خریداران خارجی بسیار جذاب‌تر از هواپیماهای تولیدکنندگان آمریکایی بود.^۶ افزون بر این، تأمین مالی نسبت به بخش خصوصی ارزان‌تر بوده و تأمین مالی KfW از طریق پنجره بازار با توجه به شرایط توافقنامه LASU محدودیتی برای ارائه نداشت؛ در حالی که اکسپیم‌بانک آمریکا توسط قانون بازار خانگی از سرمایه‌گذاری در فروش بوئینگ در آلمان، فرانسه، انگلستان و یا اسپانیا منع شده بود،^۸ KfW می‌توانست در فروش ایرباس در بازار آمریکا با استفاده از پنجره بازار سرمایه‌گذاری نماید. همچنین، KfW می‌توانست با استفاده از پنجره بازار از ساختارهای

1. Rodriguez. (2001).

2. Large Civil Aircraft Sector Understanding (LASU)

3. OECD. (2008).

4. Berg and Verspyck. (2011).

۵. تا سال ۱۹۸۹، تأمین مالی اصلی KfW برای شرکت ایرباس بر اساس پنجره بازار انجام می‌شد (KfW، ۱۹۸۹)، ص ۴۱.

6. KfW. (1978) and (1988). p. 31.

7. KfW. (1990). p. 50.

8. KfW. (1990). p. 50 and Mendelowitz. (2001). p. 181.

تأمین مالی با سررسید ۱۸-۱۵ سال حمایت کند، این در حالی است که اکسیم تحت قوانین LASU می‌بایست محدودیت سررسید ۱۲ساله را رعایت می‌کرد. KfW متعهد به پشتیبانی از ایرباس در چرخه‌های فروش بود، در حالی که با توجه به الزامات شفاف‌سازی LASU، اکسیم تنها پس از تصویب هیأت مدیره می‌توانست متعهد به پشتیبانی فروش باشد.^۱ این موضوع ایرباس را قادر ساخت تا مقداری از سهم بازار بوئینگ را در اختیار گرفته و مزیت مقیاس فعالیت اقتصادی خود را افزایش دهد که این امر نیز به افزایش بهره‌وری در بلندمدت منجر شد. به گفته اسکات شرر،^۲ معاون تأمین مالی بخش مشتری شرکت بوئینگ، یکی از مهم‌ترین این موارد هنگامی بود که بوئینگ در سال ۱۹۹۷ نتوانست قرارداد فروش هواپیما به سه ایرلاین آمریکای لاتین را به دست آورد؛ بوئینگ این قراردادها را نه به دلیل کیفیت بالاتر یا قیمت بهتر بلکه به سبب شرایط تأمین مالی مناسب‌تر KfW از دست داد؛ در واقع، بوئینگ در این قرارداد مغلوب ایرباس شد.^۳

به دلیل تأمین مالی صورت‌گرفته از سوی KfW و دولت‌های دیگر عضو، ایرباس از پایان دهه ۱۹۸۰ به جدی‌ترین رقیب بوئینگ تبدیل شده و توانست با وجود وضعیت مالی ضعیف،^۴ سهم خود از بازار را تا سال ۱۹۸۶ به ۲۵ درصد افزایش دهد.^۵ ایرباس تا پیش از دهه ۱۹۹۰ رقیب مهمی برای بوئینگ قلمداد نمی‌شد^۶ و سرانجام در ابتدای دهه ۲۰۰۰ موفق شد سهم بیشتری از بازار را نسبت به بوئینگ به دست آورد. از آن پس، این دو شرکت هواپیمایی به کمک یارانه‌های عظیم دولتی، شانه به شانه به رقابت مشغول بوده‌اند.^۷ در دهه ۲۰۰۰ میلادی، تأمین مالی KfW به‌طور خاص صرف طراحی، توسعه و بازاریابی مدل

1. Mendelowitz. (2001). p. 181.

2. Scott Scherer

3. Mendelowitz. (2001). p. 181.

۴. "دوپیچه ایرباس" در سال ۱۹۸۹ در آستانه ورشکستگی قرار گرفت و دولت آلمان ناگزیر شد برنامه نجات طرح‌ریزی کند. بر این اساس، KfW مبلغ ۵۰۵ میلیون مارک آلمان سرمایه به این شرکت تزریق کرده و در عوض ۲۰ درصد از سهام شرکت را به‌دست می‌آورد (WTO، ۲۰۱۶)، ص. ۲۶۷.

5. Majumdar. (1987). p. 501.

6. Golich, V. L. (1996). p. 471.

7. Thomson Reuters. (2012). p. 2.

جدید ایرباس یعنی A350XWB شد.^۱ وام‌های KfW تنها زمانی بازپرداخت می‌شد که مدل جدید موفقیت‌آمیز باشد. این موضوع ایرباس را قادر می‌ساخت ریسک ناشی از نوآوری را به بخش دولتی انتقال دهد.^۲ طبق نظر هیأت حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی، در صورت نبود یارانه‌ها، ایرباس نمی‌توانست مدل جدید خود را تولید نماید.^{۳ و ۴}

KfW در ابتدای دهه ۲۰۰۰ مورد انتقاد اکسپیم‌بانک آمریکا و دیگرانی قرار گرفت که ادعا می‌کردند فعالیت‌های پنجره بازار از محوطه امن OECD خارج شده و مغایر با قوانین WTO است.^۵ با این حال، نبود شواهد مشخص و واقعی، اقدام علیه این نهاد را دشوار کرد، زیرا KfW ملزم به افشای شرایط معاملات پنجره بازار خود نبود و طرفین معاملات نیز ملزم به رعایت محرمانگی موافقت‌نامه‌ها بودند.^۶ افزون بر این، بسیاری از شرکت‌های آمریکایی از ارائه شواهد به اکسپیم در مورد فعالیت‌های KfW در قالب پنجره بازار خودداری می‌کردند، چرا که آنها تجهیزات تولیدی قابل توجهی در آلمان داشته، بنابراین، می‌توانستند از این نحوه تأمین مالی بهره‌مند شوند.^۷ بحران مالی به رونق بخشیدن به اعطای اعتبارات صادراتی در کشورهای دیگر منجر شد، به طوری که ایتالیا و کشورهای شمال اروپا پنجره بازار خود را راه‌اندازی کردند.^۸ در چین محیطی، شکایات ECAها علیه KfW کاهش یافت. گروه صادرکنندگان

1. WTO. (2016).

2. Ibid. p. 96.

۳. موساچیول و لازارینی (۲۰۱۴) استدلال می‌کنند که بانک‌های توسعه به شرکت‌هایی که در حال حاضر رقابتی و در نتیجه، قادر به تأمین مالی خصوصی هستند، وام می‌دهند. این به معنای دادن رانت به جای سیاست صنعتی است؛ زیرا تنها هزینه سرمایه را بالا برده و باعث افزایش کارایی نمی‌شود. آنها معتقدند که این استدلال مربوط به صنایعی نیست که از مقیاس اقتصادی مناسبی برخوردارند. تأمین مالی KfW برای بهبود بهره‌وری ایرباس حیاتی بوده است؛ حتی پس از اینکه ایرباس در عرصه بین‌المللی از طریق توانایی برای کسب سهم از بازار وارد رقابت شد، این حمایت‌ها موجب افزایش مقیاس و بهره‌وری در بلندمدت شد. به‌طور مشخص، KfW نوآوری در تکنولوژی‌های پریسک را که در بازارهای خصوصی حمایت نمی‌شد، تأمین مالی می‌کند.

4. WTO. (2011). p. 558.

5. US EXIM Bank

6. Mendelowitz. (2001) and US EXIM Bank. (2005).

7. US EXIM Bank. (2005). p. 57.

8. US EXIM Bank. (2009; 2011 , 2013) and Hopewell. (2017).

سازمان یافته ایالات متحده از اکسیم بانک آمریکا درخواست کرد قلمرو خود را گسترش و به اصطلاح "جواب آتش را با آتش" داده و همانند رقبا عمل نماید،^۱ اما این تلاش‌ها با چالش‌های داخلی و جنبش تی‌پارتی^۲ که توسط ایدئولوژی غالب بنیادگرایی بازار و سرمایه‌گذاری میلیاردرهایی مانند برادران کوک تحریک می‌شد، فلج شد.^۳ در چنین محیطی، ابتکار موردنیاز برای رقابت با KfW تحت تأثیر مبارزه برای زنده نگه داشتن اکسیم‌بانک قرار گرفت.^۴

قوانین سازمان تجارت جهانی

هنگامی که سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۴ تأسیس شد، کشورهای عضو OECD مذاکراتی را در زمینه اصلاح ترتیبات OECD انجام دادند. این ترتیبات در قانون تجارت جهانی گنجانده شد و بر اساس آن اعتبارات صادراتی که مطابق با این ترتیبات اعطا می‌شدند، از کمک‌های مالی و اقدامات مقابله‌ای

1. Bergsten. (2014) and Hopewell. (2017).

۲. جنبش تی‌پارتی یا جنبش اعتراضی چای (Tea Party Movement) یک جنبش سیاسی آمریکایی است که از تبعیت از قانون اساسی ایالات متحده، کاستن از مخارج دولت آمریکا و مالیات‌ها و کاهش کسر بودجه و بدهی ملی آمریکا حمایت می‌کند. افراد حاضر در این جنبش بخشی محافظه کار، بخشی لیبرال و بخشی پوپولیست شمرده می‌شوند. از سال ۲۰۰۹ تاکنون، افراد بسیاری از این جنبش اعتراضی و کاندیداهای سیاسی آن حمایت کرده‌اند. از ابتدای سال ۲۰۰۹، مجموعه‌ای از اعتراضات علیه برخی از قوانین فدرال از جمله قانون بیمه درمانی پیشنهادی از سوی باراک اوباما در نقاط مختلف ایالات متحده شکل گرفت که سرانجام به ایجاد این جنبش انجامید. در پی آن، این جنبش نقش فعال‌تری را در عرصه سیاسی ایالات متحده بر عهده گرفت و پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات سنا و کنگره نوامبر ۲۰۱۰ و همچنین، شکست اوباما در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲ را سرلوحه اهداف خود قرار داد. در آگوست ۲۰۱۰، شبکه خبری فاکس نیز مدعی شد که میلیاردر معروف، دیوید اچ کوک، مبلغی برابر ۲/۵ میلیون دلار را به‌تازگی و چند میلیون دلار دیگر را پیش از آن به جنبش حزب چای کمک مالی کرده است. همچنین سارا پیلین، نامزد معاونت ریاست جمهوری ایالات متحده در انتخابات سال ۲۰۰۸ و برخی دیگر از شخصیت‌های بانفوذ جمهوری خواه از این جنبش حمایت کرده‌اند. برخی سارا پیلین را پرنفوذترین شخصیت جنبش و رهبر غیررسمی آن می‌دانند.

3. Hopewell. (2017).

4. Hopewell. (2017). p. 583.

(SCM)^۱ تحت پیوست SCM معاف شدند.^۲ در واقع، این به معنای آن بود که فعالیت‌های KfW تحت قوانین سازمان تجارت جهانی، قانونی بوده و اقتصادهای پیشرفته مجاز به تداوم تأمین مالی یارانه‌ای صادرات خود در بخش‌های با اهمیت هستند، در حالی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه یا ECA نداشتند و یا کالاهایی را صادر می‌کردند که از تفاهم‌نامه‌های بخشی بی‌بهره بودند. در این صورت این کشورها نمی‌توانستند از مزایای این بخش از توافقنامه پیش‌گفته بهره‌مند شده و طبق قانون WTO به صادرات خود یارانه بدهند.^۳

به عنوان یک بانک توسعه‌ای در کشوری توسعه‌یافته، KfW در هنگام ورود به سازوکار حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی (DSM) از امتیاز برتری برخوردار بود؛ چرا که انطباق با قوانین به روابط قدرتی وابسته است که بر اساس اندازه بازار تعیین شده و تهدید به اقدامات تلافی‌جویانه دوجانبه، از ابزارهای جبرانی در مذاکرات حل اختلاف به شمار می‌رود.^۴ کشورهای در حال توسعه در بیشتر موارد منابع لازم را برای طرح پرونده‌های خود در DSM در اختیار نداشته^۵ و در صورت انجام این کار، حتی ممکن است از ظرفیت اجبار به اجرا برخوردار نباشند؛ زیرا تهدید آنها به اقدامات تلافی‌جویانه به دلیل اندازه کوچک بازار کارساز نخواهد بود.^۶

آلمان کمترین پیشینه را در میان کشورهای عضو OECD در خصوص اعلام یارانه‌های خاص اعطایی خود به سازمان تجارت جهانی بر اساس ماده ۲۵ SCM دارد.^۷ با وجود فعالیت‌های گسترده KfW، تنها دو پرونده علیه اتحادیه اروپا تحت قوانین SCM - که آلمان به‌طور مستقیم درگیر آن بود - وجود دارد: یکی از آنها توسط کشور کره مطرح شد؛ یک بازار مهم نوظهور که در ابتدای دهه ۲۰۰۰ از فنون ته‌اجمی

۱. WTO Dispute Settlement Mechanism (DSM): سازوکار سازمان تجارت جهانی درباره قواعد و رویه‌های حاکم بر حل و فصل اختلافات.

2. Coppens and Friedbacher. (2014).
3. Chauffour, Saborowski and Soylemezoglu, A. I. (2010).
4. Brown. (2004).
5. Busch and Reinhardt. (2003).
6. Brown. (2004), p. 60.
7. Thone and Dobroschke. (2008), p. 1.

در WTO در بخش کشتی‌سازی استفاده کرد.^۱ پرونده دیگر از سوی دولتهای تایتان^۲ ایالات متحده در بخش هواپیماسازی مطرح شده است.^۳

در مورد کشتی‌سازی، کشور کره پرونده‌ای را علیه اعطای یارانه اتحادیه اروپا به کشتی‌سازی مطرح کرد؛ این اقدام تلافی‌جویانه به دنبال پرونده‌ای بود که پیشتر اتحادیه اروپا علیه این کشور به دلیل اعطای یارانه به بخش کشتی‌سازی توسط بانک توسعه کره (KDB)^۴ مطرح کرده بود. در سال ۲۰۰۴، کره پرونده DS-307 را مطرح کرد و اتحادیه اروپا به دلیل پرداخت یارانه غیرعادلانه به صنعت کشتی‌سازی، متهم شد. این اتهام شامل ضمانت‌های دولت آلمان برای تعهدات KfW نیز می‌شد که مخالف با SCMها بود. با توجه به این که این پرونده برای ممانعت اتحادیه اروپا از اقدام آتی علیه بانک توسعه کره مطرح شده بود، کره درخواست خود را در گام‌های بعدی دنبال نکرد. بدین ترتیب، KfW اجازه یافت بدون چالش به فعالیت‌های خود ادامه دهد.^۵

چنانچه صنعتی که به‌طور منفی تحت تأثیر اقدامات KfW قرار گرفته به کشوری با قدرت بازار برابر متعلق باشد (مانند ایالات متحده)، چالش از این هم مهم‌تر می‌شود. البته اتحادیه اروپا قادر به اقدام متقابل، درخواست تجدید نظر و یا به تعویق انداختن عمل به قوانینی است که به نفع او نیستند. در این مورد خاص، عضویت در اتحادیه اروپا ادامه سیاست صنعتی را برای KfW ممکن ساخت، زیرا آلمان به‌تنهایی از قدرت بازار لازم برای رویارویی با آمریکا برخوردار نبود. در مورد ساخت هواپیما، ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای مدت طولانی (از سال ۲۰۰۴ تاکنون)، مناقشات ادامه‌داری را در WTO داشته‌اند. زمانی که ایالات متحده پرونده DS-316 را علیه اروپایی‌ها در خصوص بیش از ۳۰۰ مورد یارانه پرداختی بابت ایرباس مطرح کرد، اتحادیه اروپا نیز در مقابل، دو شکایت علیه ایالات متحده درباره پرداخت غیرقانونی یارانه به بوئینگ مطرح نمود. اگرچه فعالیت پنجره بازار KfW در فهرست یارانه‌های

1. Liao. (2015).

2. Twin Titan

3. Garrett and Smith. (2002).

4. Korea Development Bank (KDB)

5. Europe Direct Contact Centre. (2017) and WTO. (2010a).

اتحادیه اروپا قرار ندارد، ولی سرمایه‌گذاری KfW در سهام دویچه ایرباس در سال ۱۹۸۹ در فهرست شکایت قرار گرفته و از سوی کمیته سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان یارانه خاص برای تخلف از قوانین سازمان تجارت جهانی (WTO) مطرح شد؛ چرا که اعطای سرمایه در شرایط غیرتجاری صورت گرفته بود.^۱ پس از درخواست تجدید نظر از سوی اتحادیه اروپا، هر چند کمیته برخی از یافته‌های خود را به نفع اتحادیه اروپا تغییر داده و قوانین را با توجه به سرمایه‌گذاری در سهام KfW تعدیل نمود،^۲ اما در عین حال به اتحادیه توصیه کرد اقدامات لازم را برای از بین بردن اثرات نامطلوب و یا حذف کامل یارانه‌ها انجام دهد؛^۳ البته مشخص نکرد که این کار دقیقاً به چه شکل انجام شود.

در سال ۲۰۱۶، ایالات متحده از اتحادیه اروپا به دلیل برنداشتن یارانه‌ها مطابق با حکم دادگاه و همین‌طور گسترش برنامه یارانه‌ای خود، از جمله وام‌های یارانه‌ای KfW، شکایت کرد.^۴ گفتنی است که کمیته این فعالیت‌ها را آن‌گونه که ایالات متحده ادعا کرده بود، در دست‌بندی یارانه‌های ممنوعه قرار نداد، ولی آن را یارانه خاص و به نفع ایالات متحده دانست. اتحادیه اروپا توصیه‌های پیشین این کمیته از جمله سرمایه‌گذاری KfW در سهام را نادیده گرفته بود؛^۵ با این وجود، اتحادیه اروپا در اکتبر ۲۰۱۶ درخواست تجدیدنظر درباره این حکم را، بدون آنکه اقدامی برای حذف آثار و عوارض جانبی نامطلوب و یا حذف اعطای یارانه مربوط به سهام و یا وام‌های KfW انجام داده باشد، ارائه کرد.^۶ پرونده همچنان در زمان نگارش این مقاله در جریان است. همچنین، اقدام متقابل اتحادیه اروپا علیه بوئینگ در سازمان تجارت جهانی نیز در دست بررسی بوده و فرآیند آن کاملاً مشابه مورد پیش گفته است. کمیته در برخی موارد ایالات متحده را محکوم کرده، هر چند که ایالات متحده نسبت به این محکومیت فرجام‌خواهی نموده است. بر پایه این احکام، ایالات متحده به نقض قوانین کمیته اتحادیه اروپا محکوم است.^۷

1. WTO. (2010 b).

2. WTO. (2011).

3. WTO. (2011). p. 612.

4. WTO. (2016).

5. WTO. (2016). p. 572.

6. WTO. (2017 a).

7. Ibid.

چالش اروپایی‌سازی: چانه‌زنی در خصوص سیاست صنعتی

فرآیند پیوستن به اتحادیه اروپا چالش دیگری برای سیاست‌های صنعتی آلمان و بانک‌های دولتی این کشور به شمار می‌رفت؛ چرا که بسیاری از قوانین اصلی با هدف به حداقل رساندن دخالت دولت طراحی شده بود. با اینکه عضویت در اتحادیه اروپا برخی مشکلات را برای KfW به دنبال داشت، ولی به دلیل موقعیت آلمان به عنوان هژمون منطقه و استفاده KfW از حسابداری خلاق (ساختگی)،^۱ تغییر اساسی در روند فعالیت‌های بانک به وجود نیامد. در ادامه، مهم‌ترین چالش پیوستن آلمان به اتحادیه اروپا، یعنی مواجهه با قانون یارانه‌های دولتی اتحادیه اروپا^۲ که به موجب آن عملیات پنجره بازار KfW غیرقانونی تلقی می‌شد، بررسی می‌شود.

مقررات کمک‌های دولتی اتحادیه اروپا از حمایت‌گزینشی بنگاه‌ها و بخش‌های مختلف توسط دولت جلوگیری می‌کرد؛ اما این قانون تا سال ۱۹۹۸ و تصویب قانون EC شماره ۹۹۴/۹۸ به طور جدی اجرا نمی‌شد. قانون یادشده نقطه عطفی در تشدید مقررات مربوط به کمک‌های دولتی بود.^۳ این قانون به‌روشنی در رویارویی با سیاست‌های صنعتی‌گزینشی قرار می‌گرفت که طبق آن یارانه به بخش‌ها و بنگاه‌های خاصی اعطا می‌شد. با تقویت مقررات ناظر بر کمک‌های دولتی، مذاکره برای مستثنای شدن تعدادی از بنگاه‌ها از این قانون از سال ۱۹۹۸ شدت گرفت و به تعدادی از کشورهای عضو اجازه داده شد، بدون تصویب این قانون، اقدامات حمایتی خاصی را در مورد بعضی از بخش‌ها در کمیته انجام دهند.^۴ این اقدامات حمایتی مربوط به حوزه‌هایی می‌شد که KfW در آن زمان در حال اعطای وام به آنها بوده و آلمان، به‌طور ضمنی، به‌عنوان بخشی از سیاست‌های صنعتی خود از این حوزه‌ها حمایت

۱. Creative Accounting: حسابداری ساختگی عبارت است از تبدیل ارقام حسابداری مالی از آنچه که در واقع بوده به آنچه تهیه‌کنندگان اطلاعات می‌خواهند، با استفاده از مزایای موجود در قوانین و یا عدم رعایت قوانین، به آن دست یابند.
 ۲. چالش‌های دیگر بالقوه مهم عبارتند از: پیمان ماستریخت و تأثیرات آن، مقررات بانکداری اتحادیه اروپا و تک‌مکانیسم نظارت بر بانک مرکزی اروپا پس از بحران. از آنجا که KfW طبق قوانین آلمان در طبقه‌بندی بانک‌ها قرار نمی‌گیرد، دو مورد واپسین در مورد آن صدق نمی‌کند.

3. Kassim and Lyons. (2013). p. 9.

4. Blauburger. (2009).

می کرد. این بخش ها شامل انرژی های تجدیدپذیر، SMEها، توسعه منطقه ای، پیشرفت فناوری و نوآوری و زیرساخت ها بوده و KfW مجاز بود همچنان به حمایت از این بخش ها ادامه دهد. کمیسیون اروپایی تا حدی بر قانون کمک های دولتی کنترل دارد، ولی در بیشتر موارد قادر نیست اعضای قدرتمند این اتحادیه را مجبور به اجرای این قوانین نماید.^۱ با توجه به موضع قوی آلمان در اتحادیه اروپا، اگر چه اسناد مربوط به انجام مذاکرات در این خصوص، در معرض اطلاع عموم قرار نگرفته، اما منطقی است بپذیریم که آلمان نقش پررنگی در مذاکره به منظور اخذ معافیت به نفع خود داشته است.

در سال ۱۹۹۹، چالش مهم تری به وجود آمد؛ فدراسیون بانکداری اروپا شکایتی را علیه بدهکاری (Anstaltslast) و تضمین ریفاینانس دولت آلمان در خصوص بانک های دولتی تنظیم کرد^۲ (Gewahrträgerhaftung). این موضوع به شکل گیری مجموعه مذاکراتی میان هیأت مدیره شورای رقابت اتحادیه اروپا، وزارت دارایی، VOEB و KfW در سال ۲۰۰۲ منجر شده^۳ و "توافقات ۱ و ۲ (ورستاندیگانگ ۱ و ۲)"^۴ سرانجام در ضمیمه قانون کمک های دولتی اتحادیه اروپا در مورد بانک های دولتی جای گرفت. بر این اساس، اسپارکاسن و لندسبانکن^۵ تضمین های دولتی خود را از دست دادند (ورستاندیگانگ ۱) ولی وزارت امور دارایی آلمان موفق شد بندهایی را به این توافق اضافه نماید که به موجب آن، ۹ بانک فدرال، از جمله KfW، از این قانون مستثنا شده و می توانستند از منافع این قانون تا زمانی که این حمایت ها، محدود به فهرست تعریف شده ای از فعالیت های تشویقی^۶ مجاز باشد، بهره مند شوند.^۷ در صورتی که بانک های فدرال فعالیتی را خارج از این چارچوب انجام می دادند، به یک نهاد قانونی جداگانه

1. Blauburger. (2009) and Clift. (2012).

2. Volberding. (2016).

3. KfW. (2001).

4. Verstandigung I, II

5. Sparkassen and Landesbanken

6. Promotional Activities

7. Verstandigung I and II [Understanding I and II]. (2002). p. 4.

فرستاده شده و می‌بایست به فعالیت خود بدون دخالت دولت و تحت قانون رقابت، بی هیچ استثنا ادامه می‌دادند.^۱

فعالیت‌های تشویقی مجاز شامل تأمین مالی یارانه در بخش‌هایی بود که از معافیت بلوک یارانه‌ای دولت که در بالا بیان شد، بهره‌مند بودند؛^۲ بنابراین، عملیات داخلی KfW تحت تأثیر قرار نمی‌گرفت. یارانه تأمین مالی صادرات در داخل اتحادیه اروپا مجاز نبود، اما این موضوع اهمیت چندانی نداشت؛ چرا که صادرکنندگان آلمانی، در مقایسه با کشورهای دیگری که از یورو استفاده می‌کردند، از نرخ ارز مؤثر پایین‌تری منتفع بودند.^۳ در خارج از اتحادیه اروپا، KfW مجاز به انجام عملیات رسمی ECA بود، ولی انجام عملیات پنجره بازار تنها زمانی شدنی بود که معامله در یک کنسرسیوم با حضور یک بانک خصوصی به عنوان ترتیب‌دهنده ارشد^۴ انجام شود.^۵ به این ترتیب KfW مجبور بود عملیات خود را به‌گونه‌ای تجدیدساختار نماید که فعالیت‌های سازگار با توافق یادشده باردیگر در پنج زیربخش^۶ سازماندهی شده و در KfW باقی بمانند. از سوی دیگر، فعالیت پنجره بازار به بانک پروژه‌های بین‌المللی و تأمین مالی صادرات^۷ در KfW-IPEX)، که در سال ۲۰۰۸ از نظر حقوقی استقلال یافته بود، واگذار شد.^۸

در حالی که انتظار می‌رفت این توافقات به فعالیت‌های مختلط پنجره بازار و فعالیت‌های تجاری KfW پایان دهد، تجدیدساختار انجام‌شده سرانجام نشان داد که تغییر فقط در ظاهر اتفاق افتاده است.

1. Verstandigung II. (2002) and Seikel. (2014).

2. Verstandigung II. (2002). pp. 11-13.

3. Hall. (2012).

4. Lead Arranger

5. Verstandigung II. (2002). p. 13.

۶. Mittelstand (SME) Bank, the Privatkundenbank, and Kommunalbank به شرکت‌های کوچک و متوسط داخلی، شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های دولتی وابسته به شهرداری قرض می‌دهند. بانک KfW Entwicklungs (که یک بانک توسعه‌ای است) پروژه‌ها را در کشورهای در حال توسعه تأمین مالی می‌کند و KfW DEG (انجمن توسعه و سرمایه‌گذاری آلمان) به شرکت‌ها مشاوره فنی و تخصصی ارائه می‌دهد.

7. International Project and Export Finance Bank

8. KfW. (2001). p. 11 and KfW. (2008).

از نظر مقام های KfW، مذاکرات موفقیت آمیز بود، چرا که "توان بانک در حمایت کامل از اقتصادهای آلمان و اروپا با طیف کاملی از محصولات گروه KfW را تضمین می نمود"^۱.

KfW کنترل سفت و سختی بر فعالیتهای شرکت تابعه خود اعمال می کرد تا از فعالیت آن به صورت یک بانک خصوصی با محوریت کسب سود ممانعت به عمل آورد. به طور رسمی، IPEX مأموریت خود را پشتیبانی از دستورالعمل حمایتی KfW به جای حداکثرسازی سود تعریف کرده است؛ "ما خود را بخشی از مأموریت قانونی KfW برای تقویت اقتصادهای آلمان و اروپا در بلندمدت در تقابل با پیشروی جهانی سازی می دانیم"^۲. اگرچه این دو نهاد به لحاظ قانونی جدا از یکدیگرند، اعضای هیأت عالی رتبه KfW و نیز نمایندگان وزارت امور اقتصاد و دارایی، از زمان تأسیس، در هیأت مدیره بانک IPEX حضور فعال داشته تا از مطابقت فعالیت های IPEX با منافع KfW اطمینان حاصل کنند.^۳

افزون بر این، استفاده از حسابداری ساختگی بدان معناست که IPEX نه تنها قادر به انجام فعالیت های پنجره بازار در راستای تفاهم نامه است، بلکه می تواند فعالیت های توسعه ای بین المللی KfW را نیز به صورت "امانی" هدایت نماید.^۴ برای مثال، در سال ۲۰۰۸، بیش از ۴۰ درصد حجم وام های IPEX از سوی KfW به فعالیت های توسعه ای اختصاص یافت.^۵ به لحاظ حجم تأمین مالی صادرات و تمرکز بخشی، IPEX همچنان بر بخش صنعت تمرکز دارد؛ این بخش ها شامل حمل و نقل، مهندسی مکانیک و خودرو، انرژی های تجدیدپذیر، صنایع هوایی و صنایع بنیادی هستند.^۶ در واقع، IPEX نه به عنوان یک شرکت مستقل، بلکه به عنوان بازوی تأمین مالی بین المللی KfW عمل می کند. در نهایت، اگر چه IPEX یک نهاد تجاری است، اما وظیفه آن به عنوان یک شرکت تابعه از KfW آن است که تضمین نماید شرکت همچنان از هزینه های تأمین مالی کمتر از نرخ های بازار منتفع می شود. IPEX

1. KfW. (2001). p. 11.

2. IPEX. (2008). p. 15.

3. KfW IPEX (2008-2015). KfW IPEX Bank Annual Report.

4. Standard and Poor's. (2016). p. 5.

5. KfW. (2008). p. 93.

6. KfW IPEX (2012). p. 28.

تأمین مالی خود را با تضمین تأمین نقدینگی تقریباً و به صورت انحصاری از KfW دریافت می‌کند.^۱ اگرچه KfW ادعا می‌کند که IPEX را بر اساس رتبه در نرخ‌های بازار تأمین مالی می‌کند،^۲ اما این مسأله کاملاً درست نیست، زیرا رتبه IPEX به دلیل وجود رابطه مالی با KfW بهتر از آن چیزی است که باید باشد.^۳ استاندارد و پور اشاره دارد که عامل کلیدی در افزایش رتبه IPEX به وضعیت AA+ به‌ویژه از نظر مالی و نقدینگی، به دلیل منافع ضمنی ناشی از مالکیت آن توسط KfW و موقعیت IPEX به‌عنوان یک نهاد دولتی (GRE)^۴ است که شانس بسیار بالایی در کسب حمایت به‌موقع و کافی از دولت آلمان در صورت نیاز دارد.^۵

حرکت به سمت صنایع سبز: سیاست صنعتی در هزاره‌های جدید

با وجود چالش‌های پیش‌گفته، KfW با حمایت‌های دولت فدرال، توانایی خود برای انجام سیاست‌های انتخابی صنعتی در هر دو سطح داخلی و بین‌المللی را در دهه ۲۰۰۰ حفظ کرد. همان‌طور که اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد، ابزارهای سیاستی KfW پس از دهه ۱۹۸۰ بسیار شبیه به ابزارهای مورد استفاده این نهاد در دوره پس از جنگ بوده و تنها تفاوت اصلی آنها در چگونگی تأمین مالی این ابزارهاست؛ در حالی که بخش‌های هدف با سپری شدن زمان تغییر کرده‌اند، تمرکز بر بخش‌های با ارزش افزوده یا سطح تکنولوژی بالا که درجات بالای پیوندهای اقتصادی و اثرات سرریز با بخش‌های دیگر اقتصاد دارند، همچنان ادامه دارد.

-
1. Standard and Poor's. (2016).
 2. IPEX (2008). p. 51.
 3. Standard and Poor's. (2016) and Moody's. (2013).
 4. Government-Related Entity
 5. Standard and Poor's. (2016). pp. 2-3.

جدول ۱. سیاست‌های صنعتی KfW پس از جنگ تاکنون

دوران پس از دهه ۱۹۸۰ (دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰)	دوران پس از جنگ (دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰)	
کشتی‌سازی، صنایع پایه، هواپیماسازی، نیروگاه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر و فناوری، کارخانجات صنعتی و ماشین‌آلات	نیروگاه صنعتی و ماشین‌آلات، هواپیما و کشتی‌سازی، صنایع بنیادی	تمرکز بر بخش بین‌الملل
انرژی‌های تجدیدپذیر، نوآوری، مسکن، بهره‌وری انرژی	کالاها، سرمایه‌ای، مهندسی، زغال سنگ و فولاد، تهیه مواد اولیه، مسکن	تمرکز بر بخش داخلی
اعطای اعتبارات ترجیحی، برنامه‌های هدایت اعتبار یارانه‌ای	اعطای اعتبارات ترجیحی، برنامه‌های هدایت اعتبار یارانه‌ای	ابزارهای سیاست داخلی
تأمین مالی یارانه‌ای صادرات، پنجره بازار/ تأمین مالی تجاری صادرات، تأمین مالی FDI، کمک‌های مالی توسعه‌ای متعارف و غیرمتعارف ^۱	تأمین مالی صادرات، پروژه‌های یارانه‌ای تأمین مالی FDI، کمک‌های مالی توسعه‌ای متعارف و غیرمتعارف ^۱	ابزارهای سیاست خارجی
صندوق‌های بازار سرمایه	دولت فدرال و صندوق‌های ERP	منابع مالی

مأخذ: گزارش‌های سالانه KfW (۱۹۴۹-۲۰۱۵).

اگرچه KfW نیازهای تأمین مالی فراوانی از جمله برنامه‌های ویژه KfW برای تأمین مالی SMEها و نوآوری‌ها را پوشش می‌دهد^۲، ولی بهترین مثال از چگونگی انتخاب سیاست‌های گزینشی صنعتی در دهه ۲۰۰۰، نقش مهمی است که این بانک در پیشرفت صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر آلمان ایفا کرده است. آلمان نمونه بسیار موفق در حوزه ارتقای انرژی‌های تجدیدپذیر بادی و خورشیدی است. در صورت واگذاری به نیروهای بازار، شاهد چنین افزایش چشم‌گیری در استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر

۱. منظور "کمک‌های مالی مشروط" و "کمک‌های مالی غیرمشروط یا به‌عبارت دیگر بی‌قید و شرط" است.
 ۲. به عنوان مثال، برنامه نوآوری KfW برای SMEها به‌منظور جلوگیری از دخالت دولت مرکزی در ترویج تحقیق و توسعه طرح‌ریزی شده و KfW به‌صورت بسیار سختگیرانه‌ای تنها به تحقیقات بنیادی و کاربردی وام می‌دهد. این یک راه بسیار مفید برای این شرکت‌هاست، حتی اگر نتوانند تمام فعالیت‌ها را به‌صورت عملی به سرانجام برسانند (KfW، ۱۹۹۴)، ص. ۲۸.

نبودیم؛ چرا که این دست از انرژی‌ها نه تنها نیازمند فناوری‌های جدید و پرهزینه است، بلکه می‌باید بر مزیت فناوری‌های پیشرو که به واسطه هزینه‌های بی‌بازگشت در سوخت‌های فسیلی ایجاد شده نیز غلبه شود.^۱ با اینکه پیش از این، دانمارک از مزیت پیشگام بودن در بخش انرژی‌های تجدیدپذیر برخوردار بود،^۲ آلمان در پایان دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ موفق شد به آن دست یابد. در همین راستا، ظرفیت داخلی نصب‌شده به‌طور تصاعدی افزایش یافت (شکل ۳) و تا سال ۲۰۱۴، از بین ۱۰ تولیدکننده برتر توربین بادی،^۳ تولیدکننده مربوط به شرکت‌های آلمانی انرکن، زیمنس و نوردکس^۳ بودند که سهم آنها از بازار جهانی بیش از ۲۱/۵ درصد بود.^۴ استراتژی آلمان در ابتدا بر تولید برای بازار داخلی متمرکز بود و سپس، از سال ۲۰۰۲ و هم‌زمان با اشباع بازار داخلی، حرکت به سوی صادرات را آغاز کرد.^۵ ابزارهای سیاستی کلیدی در پایان دهه ۱۹۹۰ عبارت بودند از تعرفه‌های حمایتی^۶ به‌منظور تشویق تقاضای داخلی^۷ و تأمین مالی یارانه‌ای بلندمدت برای تشویق سرمایه‌گذاری که در بیشتر موارد از سوی KfW صورت می‌گرفت. در گزارشی از KfW گفته‌شده: "از زمانی که دولت فدرال در سال ۲۰۱۱ پروژه تحولات گسترده در تأمین انرژی را آغاز کرد، KfW به‌طرز چشم‌گیری فعالیت‌های توسعه‌ای خود در این زمینه را گسترش داده و به سیاست‌های حمایتی و تسهیلاتی خود به‌عنوان شریک دولت فدرال در این زمینه ادامه می‌دهد."^۸

1. Connor. (2003) and Mazzucato. (2013).

2. Connor. (2003).

3. Enercon, Siemens and Nordex

4. Energy Digital. (2014).

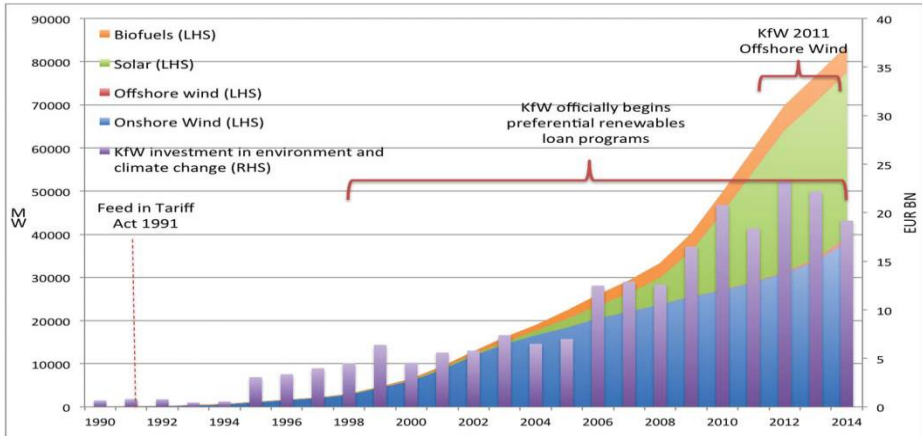
5. Lund. (2009).

۶. بدین ترتیب، برای فروش محصولات به عرضه‌کنندگان، یک قیمت تضمینی در اختیار تولیدکنندگان انرژی‌های تجدیدپذیر انرژی قرار گرفته و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت رونق می‌گیرد. هزینه نهایی نیز به مصرف‌کننده منتقل می‌شود.

7. Ibid.

8. Kfw. (2013). p. 65.

شکل ۳. ظرفیت‌های نصب‌شده انرژی‌های نو و برنامه‌های اصلی توسعه‌ای در آلمان



مأخذ: داده‌های مربوط به ظرفیت‌های نصب شده از پایگاه داده‌های AGEE دولت و داده‌های سیاست‌گذاری از پایگاه داده‌های IEA/IRENA دریافت شده است؛ لاوبر و پسندورفر^۱ (۲۰۰۴).

هنگامی که انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان یک "صنعت نوپا" در آلمان آغاز به کار کرد،^۲ امکان تأمین مالی از طریق بانک‌های خصوصی برای کمک به این بخش فراهم نبود؛^۳ بنابراین، KfW بخش قابل توجهی از کل منابع مالی مورد نیاز داخلی برای این بخش را به‌ویژه در میانه دهه ۲۰۰۰ تأمین مالی کرد.^۴ با احتساب پروژه‌های تأمین مالی مشترک،^۵ برآورد می‌شود که حدود ۸۰ درصد از برنامه توسعه نیروگاه‌های انرژی بادی و ۴۰ درصد از کل توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در آلمان توسط KfW تأمین مالی شده باشد.^۶ به‌طور کلی، این تأمین مالی به‌عنوان بخشی از یکی از برنامه‌های ویژه برای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر به‌شمار می‌رود، به‌گونه‌ای که اعتبارات بلندمدت با نرخ سود یارانه‌ای و شرایط

1. Lauber and Pesendorfer

2. Connor. (2003).

3. Griffith-Jones. (2016).

4. Kfw. Annual Report.

۵. این مهم در بسیاری از موارد بدون تأمین مالی KfW شدنی نیست، زیرا این بانک نقش بانک رهبر را در وام‌های کنسرسیومی ایفا می‌کند.

6. Kfw. (2011). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2011.

مطلوب دیگر به این بخش اختصاص داده می‌شود (شکل ۳). این بارانه‌های عظیم داخلی بر خلاف قانون اتحادیه اروپا نبوده، زیرا کمک‌های سرمایه‌گذاری برای توسعه تأمین انرژی از منابع تجدیدپذیر یکی از بخش‌هایی است که مشمول قوانین بلوک عمومی معافیت^۱ شده و می‌تواند از کمک‌های دولتی بهره‌مند شود.

از میانه دهه ۲۰۰۰، یکی از اهداف کلیدی سیاست‌های صنعتی آلمان در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش صرفه‌های ناشی از مقیاس از طریق افزایش صادرات محصولات مرتبط با انرژی‌های تجدیدپذیر این کشور به کشورهای در حال توسعه بوده است. IPEX در کمک به شرکت‌های بزرگ تولیدکننده انرژی‌های تجدیدپذیر برای باقی‌ماندن در عرصه رقابت بین‌المللی، نقش مهمی را از طریق تأمین مالی پروژه‌های تولید و نیز ارائه تسهیلات صادراتی ایفا کرده است. با توجه به اینکه تفاهم‌نامه کشورهای OECD در زمینه انرژی‌های نو در سال ۲۰۰۵ به صورت آزمایشی معرفی شد،^۲ IPEX توانست این کمک‌ها را در شرایط مطلوب و مناسب در دو قالب ارائه دهد؛ یکی از طریق ظرفیت خود به‌عنوان یک ECA دولتی و دیگری از طریق پنجره بازار. KfW اینتوکلانگز بانک^۳ و شرکت سرمایه‌گذاری آلمان از کمک‌های مستقیم IPEX به بنگاه‌های آلمانی به صورت تأمین مالی پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر در کشورهای در حال توسعه، حمایت می‌کردند تا تقاضا برای صادرات فناوری شرکت‌های آلمانی فعال در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر افزایش یابد.^۴ تا سال ۲۰۱۱، KfW همراه با بانک جهانی، مهم‌ترین عوامل ترویج و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در سراسر جهان بودند.^۵

اگر چه آلمان -همراه با کشورهای دیگر عضو اتحادیه اروپا و ایالات متحده-^۶ از پشتیبانی گسترده دولتی برای توسعه صنعت انرژی‌های تجدیدپذیر برخوردار بوده است، در عین حال تلاش نموده تا مانع

1. General Block Exemption Regulations

2. Mulligan. (2007).

3. KfW Entwicklungsbank

4. Kfw. Annual Report.

5. Kfw. (2011). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2011.

۶. ائتلاف تولیدکنندگان خورشیدی ایالات متحده که پژوهش‌ها علیه چین را آغاز کرد، توسط بازوی آمریکایی شرکت سولارورلد آلمان (German Solar World) هدایت می‌شد (لوئیس، ۲۰۱۴).

چین در پیمودن مسیر مشابه شود. در سال ۲۰۰۹، دو شرکت فعال در زمینه انرژی خورشیدی در آلمان، یعنی سولاروورلد و کو انرژی،^۱ از اتحادیه اروپا خواستند پژوهش‌های ضد دامپینگ علیه صادرات سیستم‌های تولید انرژی خورشیدی چین را به انجام برسانند.^۲ چین، همانند ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا، از فنون مشابه تأمین مالی یارانه‌ای دولتی برای دستیابی به اهداف صنعتی خود استفاده کرده است؛^۳ این نشان می‌دهد که تعداد انگشت‌شماری از بازارهای نوظهور کلیدی و برخوردار از بازارهای داخلی بزرگ و منابع قانونی قابل توجه، با وجود مخالفت کشورهای توسعه‌یافته، قادر به ارائه حمایت‌های مالی مشابه با KfW هستند.

نتیجه‌گیری: دولت‌های قدرتمند برای خود آزادی عمل قائلند

در حالی که "جهانی سازی نئولیبرالی" پس از دهه ۱۹۸۰ معمولاً با عقب‌نشینی دولت از اقتصاد همراه بوده است، ولی شواهد ارائه شده در این مقاله نشان داد که نقش مداخلات دولت در تأمین مالی آلمان نه تنها در دوران پس از جنگ مهم بوده، بلکه از دهه ۱۹۸۰ به بعد، اهمیت بیشتری نیز پیدا کرده است. اگرچه جهانی‌سازی مالی پس از دهه ۱۹۸۰ را در بیشتر موارد پایان مداخلات مالی دولت‌ها دانسته‌اند و با وجود خطابه‌های رسمی درباره کاهش هزینه‌ها و مداخله دولت در اقتصاد، این موضوع در مورد آلمان، با وجود آزاد سازی صورت‌گرفته در بخش‌هایی از سیستم مالی کشور، درست نیست. به طرز چشم‌گیری، افزایش در اندازه KfW با استفاده از استراتژی جهانی سازی مالی امکان‌پذیر شد؛ KfW از بازارهای بین‌المللی قرض می‌گرفت و بازارهای داخلی سرمایه‌گذار می‌شدند بر بحران‌های تأمین مالی که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده بود، فائق آیند؛ چرا که تأمین مالی حاصله به‌عنوان بدهی دولت محاسبه نمی‌شد. به نظر می‌رسد که در مورد آلمان، جهانی سازی مالی اثر مهمی بر "تقویت دولت" از طریق امکان سیاست‌گذاری صنعتی‌گزینشی داشته است.

1. Solar World and Coenergy

۲. بعدها ائتلافی از تولیدکنندگان انرژی خورشیدی اروپا با نام پروسان (ProSun)، به‌عنوان مسئول ثبت شکایات در سازمان تجارت جهانی، تشکیل شد.

3. Lewis. (2014). p. 16.

4. Ibid. pp.18-20.

یافته‌های مربوط به نقش KfW در سیاست‌های گزینشی صنعتی پس از دهه ۱۹۸۰، فرضیه‌های مطرح‌شده در ادبیات سیاست صنعتی، مبنی بر متوقف ساختن بسیاری از سیاست‌های صنعتی توسط جهانی‌سازی مالی و گسترش توافقات تجاری و سرمایه‌گذاری را به چالش می‌کشد. KfW نه تنها از چالش‌های خارجی نظیر توافق‌نامه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای شکست نخورد، بلکه موفق شد با حفظ عملکرد اصلی، پس از دهه ۱۹۸۰ نیز عملیات خود را با اولویت‌دهی به تولیدات با ارزش‌افزوده بالاتر ادامه دهد. همان‌طور که سیاست صنعتی موفقیت‌آمیز و قوی KfW در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و ادامه حمایت او از ایرباس نشان داد، همچنان مسیر برای کشورهای پیشرفته‌ای که تمایل به انجام فعالیت‌های توسعه‌ای بخشی دارند، باز است؛ با این حال، اکسپانسیون آمریکا بر خلاف نظر هوپول (۲۰۱۷)، این موضوع را مشروط به مسائل سیاست داخلی کشورها در خصوص حمایت از چنین مؤسسه‌ای می‌داند.

به‌طور کلی، مورد آلمان نشان می‌دهد در شرایطی که برای کشورهای در حال توسعه فضای سیاست‌گذاری محدود است، کشورهای قدرتمند از ماهیت نابرابر اقتصاد بین‌المللی نفع برده و قادرند توافق‌نامه‌های بین‌المللی را به نفع خود طراحی کرده و در ضمن، از نقاط ضعف این توافق‌نامه‌ها در جهت منافع خود استفاده نمایند. توانایی KfW در تداوم استفاده از سرمایه در بازار ارزان‌قیمت بین‌المللی، ارتباط تنگاتنگی با موقعیت اعتباری دولت آلمان و وضعیت یورو به‌عنوان یک ارز پر قدرت بین‌المللی دارد. این بدان معناست که با وجود در دسترس بودن چنین گزینه‌هایی برای تأمین مالی اقتصادهای پیشرفته، این مسیر برای کشورهای در حال توسعه باز نبوده و آنها، به دلیل رتبه اعتباری پایین و پول ملی ضعیف، نمی‌توانند برای استقراض باثبات و کم‌هزینه‌تر به بازارهای مالی بین‌المللی اتکا کنند.

به همین ترتیب، پی‌ریزی ترتیبات OECD در WTO توسط آلمان، به‌عنوان یکی از اعضای تهیه‌کننده ترتیبات، مزایایی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه برای او ایجاد می‌کند؛ به‌علاوه، KfW از نقاط ضعف توافق‌نامه یاد شده استفاده کرده و توانست از تأمین مالی پنجره بازار برای حفظ مزیت رقابتی خود نسبت به اعضای دیگر توافق‌نامه بهره‌مند شود. اگرچه KfW با چالش‌های مهمی در

WTO مواجه شد، اما این موضوع نتوانست سبب ساز سقوط KfW شود. عضویت آلمان در اتحادیه اروپا به آلمان قدرت بازاری برابر با آمریکا اعطا کرده است. در اروپا، وضعیت آلمان به عنوان یک هژمون منطقه ای به گونه ای بود که قانون یارانه های دولتی اتحادیه اروپا تا حدودی برای او ترجیح قائل بود. اگرچه در مورد تعدادی از بانک های دولتی آلمان مصالحه هایی انجام می شد، ولی دولت آلمان توافقی را تنظیم کرده بود که به KfW اجازه می داد به فعالیت های اصلی خود تا حد زیادی بی هیچ مانعی ادامه دهد. در مجموع به نظر می رسد که کشورهای صنعتی، بسته به سیاست های داخلی خود، در مقایسه با کشورهای در حال توسعه از مزیت هدایت سیاست های صنعتی گزینشی، با وجود محدودیت های سیستم اقتصاد بین الملل، برخوردارند.

منابع

- Abelshausen, W. (2001). Markt Und Staat. Deutsche Wirtschaftspolitik Im Langen 20. Jahrhundert [Market State. German Economic Policy in the Long 20th Century]. In R. Spree (Ed.). Geschichte Der Deutschen Wirtschaft Im 20. Jahrhundert [History of the German Economy in the 20th Century] (Vol. 1443). Munchen: CH Beck.
- Aggarwal, V. and Evenett, S. (2014). Do WTO Rules Preclude Industrial Policy? Evidence from the Global Economic Crisis. *Business Politics*, 16(4), pp. 481–509.
- Amsden, A. H. (2001). The Rise of “The Rest”: Challenges to the West from Late-Industrializing Economies Oxford: Oxford University Press.
- Andrews, A. M. (2005). State-Owned Banks, Stability, Privatization, and Growth Practical Policy Decisions in a World without Empirical Proof (IMF Working Paper No. 05/10). Washington, DC: International Monetary Fund.
- Berg, D., and Verspyck, M. (2011). The 2011 Aircraft Agreement. In OECD, Smart Rules for Fair Trade: 50 Years of Export Credits (pp. 199–205). Paris: OECD Publishing.
- Beyer, J., and Hopner, M. (2003). Corporate Governance and the Disintegration of Corporate Governance in the 1990s. Germany: Beyond the Stable State. *Special Issue of West European Politics*, 26, (4), pp. 179-198.
- Bergsten, C. F. (2014, September 12). A Strategy to Bolster the Export-Import Bank. *Washington Post* [Accessed 1 June 2018]. Retrieved from: https://www.washingtonpost.com/opinions/c-fred-bergstena-strategy-to-bolster-the-export-import-bank/2014/09/12/bfa730dc-390d-11e4-9c9f-ebb47272e40e_story.html?noredirect=on&utm_term=.b4d75aebd2bd.
- Blauburger, M. (2009). Of ‘Good’ and ‘Bad’ Subsidies: European State Aid Control through Soft and Hard Law. *West European Politics*, 32(4), pp. 719–737.

- Block, F. (2008). Swimming Against the Current: The Rise of a Hidden Developmental State in the United States. *Politics and Society*, 36(2), pp. 169–206.
- Bluhm, K., and Schmidt, R. (2008). *Change in Smes: Towards A New European Capitalism?* New York, NY: Palgrave Macmillan.
- Boyer, R., and Drache, D. (1996). *States against Markets: The Limits of Globalization*. London: Routledge.
- Breznitz, D., and Zysman, J. (Eds.). (2013). *the Third Globalization: Can Wealthy Nations Stay Rich in the Twenty-First Century?* Oxford: Oxford University Press.
- Brown, C. (2004). Developing Countries as Plaintiffs and Defendants in GATT/WTO Trade Disputes. *The World Economy*, 27(1), pp. 59–80.
- Bundesbank. (2000). *Subsidy Trends In Germany since the Start of the Nineties (Deutsche Bundesbank Monthly Report)*. [Accessed 16 June 2017]. Retrieved from: http://www.bundesbank.de/Redaktion/EN/Downloads/Publications/Monthly_RepRt_Articles/2000/2000_12_Subsidy_Trends.Pdf?__Blob=Publicationfile
- Bundesbank Database. (2015). *Loans to Non-Financial Corporations*. Bundesbank Statistical Release. [Accessed 21 November 2017]. Retrieved from: https://www.bundesbank.de/Navigation/EN/Statistics/Time_Series_Databases/Banks_And_Other_Financial_Institutions/Banks_And_Other_Financial_Institutions_Details_Value_Node.Html?Nsc=TrueandHttps=1andHttps=1and87q86930https=1andListid=Www_S100_Mb3031_01_02andTsid=BBK01.OU0085.
- Bundestagsdrucksache 10/1037 [Government Publication]. (1984). *Beschlußempfehlung Und Bericht Des Haushaltsausschusses [Recommendation and Report of the Budget Committee]*. German Parliament.

- Busch, M. L., and Reinhardt, E. (2003). Developing Countries and General Agreement on Tariffs and Trade/World Trade Organization Dispute Settlement. *Journal of World Trade*, 37, p. 719.
- Chang, H.-J. (1994). *the Political Economy of Industrial Policy*. New York, NY: St. Martin's Press.
- Chang, H.-J. (2002). *Kicking Away the Ladder: The "Real" History of Free Trade*. London: Anthem Press.
- Chauffour, J. P., Saborowski, C., and Soylemezoglu, A. I. (2010). *Trade Finance In Crisis: Should Developing Countries Establish Export Credit Agencies?* (World Bank Policy Research Working Paper No. 5166). [Accessed 15 June 2017]. Retrieved from: [https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/19946/WPS5166.Pdf ;Sequence=1](https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/19946/WPS5166.Pdf;Sequence=1).
- Clift, B. (2012). Economic Patriotism, the Clash of Capitalisms, And State Aid in the European Union. *Journal of Industry, Competition and Trade*, 13(1), pp.101–117.
- Clift, B., and Woll, C. (2012). Economic Patriotism: Reinventing Control over Open Markets. *Journal of European Public Policy*, 19(3), pp. 307–323.
- Connor, P. M. (2003). *Government Intervention in Energy Markets*. BIEE Conference, Oxford, UK.
- Coppens, D., and Friedbacher, T. (2014). A Tale of Two Rules: The Intersection between WTO and OECD Disciplines on Export Credit Support. In A. Klasen and F. Bannert (Eds.), *the Future of Foreign Trade Support*. *Global Policy*. [Accessed 15 June 2017]. Retrieved from <http://www.globalpolicyjournal.com/blog/26/11/2014/tale-two-rules-intersection-between-wto-and-oecd-disciplines-export-credit-support>.
- Cull, R. (1997). *Financial Sector Adjustment Lending: A Mid-Course Analysis* (World Bank Policy Research Working Paper No. 1804). [Accessed 15 June 2017] Retrieved from: <http://documents.worldbank.org/curated/en/301821468766806697/Pdf/Multi-Page.Pdf>

- Deeg, R. (1999). *Finance Capitalism Unveiled : Banks And The German Political Economy*. Ann Arbor, MI: University Of Michigan Press.
- Detzer, D., Dodig, N., Evans, T., Hein, E., and Herr, H. (2013). *Studies In Financial Systems No 3 The German Financial System*. Financialisation, Economy, Society and Sustainable Development (FESSUD) Project. [Accessed 1 June 2018]. Retrieved from: <http://fessud.eu/wp-content/uploads/PDF/German%20Financial%20system%20%20Final%2015.05.2013.Pdf>
- Dore, R. (2008). Financialization of the Global Economy. *Industrial and Corporate Change*, 17(6). pp.1097-1112.
- Drezner, D. W. (2001). Globalization and Policy Convergence. *International Studies Review*, 3(1), pp. 53–78.
- Energy Digital. (2014). Top 10 Wind Turbine Suppliers' November Issue. [Accessed 13 February 2017]. Retrieved from: <https://issuu.com/energydigital/docs/energydigital-november-2014/41?e=12457992/9854388>.
- Engelen, E. (2008). The Case for Financialization. *Competition and Change*, 12, pp.111–119.
- European Association for Public Banks. (2016). *EAPB Annual Report 2016*. [Accessed 7 November 2017]. [Retrieved from: [https://www.eapb.eu/component/ attachments/attachments.html?id=1204](https://www.eapb.eu/component/attachments/attachments.html?id=1204).
- European Commission. (2015). *Working Together For Jobs And Growth: The Role Of National Promotional Banks (Npbs) In Supporting The Investment Plan For Europe*. Communication from the Commission to the European Parliament. COM/2015/0361. Brussels: Author.
- European Communities. (2002). *ESA95 Manual on Government Deficit and Debt*. Luxembourg. [Accessed 16 June 2017]. Retrieved from: [http://ec.europa.eu/eurostat/en/web/products-manuals-and-guide lines/-/ks-42-02-585](http://ec.europa.eu/eurostat/en/web/products-manuals-and-guide-lines/-/ks-42-02-585)
- Europe Direct Contact Centre. (2017). Email Correspondence with the Author, 17th October 2017.

- FAZ [Frankfurter Allgemeine Zeitung]. (2015). Der Staat als Größter Lobbyist [The State Is The Biggest Lobby]. [Accessed 5 November 2017]. Retrieved from: <http://www.faz.net/aktuell/wirtschaft/wirtschaftspolitik/lobbyisten-liste-des-bundestag-kfw-und-gkv-spitzenverband-vorne-13939161.html>.
- Gallagher, K. P. (2005). Policy Space To Prevent And Mitigate Financial Crises In Trade And Investment Agreements (UNTACD G-24 Discussion Paper Series (58)). [Accessed 15 June 2017]. Retrieved from: <https://www.g24.org/wp-content/uploads/2016/01/58-1.Pdf>.
- Garrett, G. (1998). Global Markets and National Politics: Collision Course or Virtuous Circle? *International Organization*, 52(4), pp.787–824.
- Garrett, G., and Smith, J. M. (2002). The Politics of WTO Dispute Settlement. *UCLA International Institute Occasional Paper Series*. [Accessed 1 June 2018]. Retrieved from: <https://cloudfront.escholarship.org/dist/prd/content/qt4t4952d7/qt4t4952d7.Pdf>.
- Golich, V. L. (1996). Made In America? Sustaining a Competitive Presence in the Commercial Class Aircraft Industry In The 1990s. *Thunderbird International Business Review*, 38(4), pp. 465–499.
- Gotte, G. (1988). Anmerkungen Zur Effektivitat Von Investitions for derungs programme Am Beispiel Der Kfw [Commentary On The Effectiveness Of Investment Promotion Programmes On The Case Of Kfw]. *Der Langfristige Kredit*, 39(21/22), pp.700–703.
- Griffith-Jones, S. (2016). Development Banks and Their Key Roles (Brot Fur Die Welt Discussion Paper No. 59). [Accessed 15 June 2017]. Retrieved From: [Http://Www.Stephanygj.Net/Papers/Development_Banks_And_Their_Key_Roles_2016.Pdf](http://Www.Stephanygj.Net/Papers/Development_Banks_And_Their_Key_Roles_2016.Pdf).
- Hall, P. A. (2012). The Economics and Politics of the Euro Crisis. *German Politics*, 21(4), pp.355–371.
- Harries, H. (1998). *Financing the Future: Kfw – The German Bank with a Public Mission*. Frankfurt Am Main: Fritz Knapp Verlag.

- Hausmann, R., and Rodrik, D. (2006). Doomed To Choose: Industrial Policy As Predicament. Center for International Development Blue Sky Conference Paper, September 2006. [Accessed 1 June 2018]. Retrieved from: <https://drodrik.scholar.harvard.edu/files/dani-rodrik/files/doomed-to-choose.pdf?m=1435070546>.
- Helleiner, E. (1995). Explaining the Globalization of Financial Markets: Bringing States Back In. *Review of International Political Economy*, 2(2), pp. 315–341.
- Hopewell, K. (2017). When Market Fundamentalism And Industrial Policy Collide: The Tea Party And The US Export–Import Bank. *Review of International Political Economy*, 24(4), pp. 569–598.
- Humphrey, C. (2015). Infrastructure Finance in the Developing World (G24 Working Paper Series). [Accessed 15 June 2017]. Retrieved from: <https://www.g24.org/wp-content/uploads/2016/05/MARGGK-WP08.Pdf>
- Kassim, H., and Lyons, B. (2013). The New Political Economy of EU State Aid Policy. *Journal of Industry, Competition and Trade*, 13(1), pp.1–21.
- Kfw. (1949–2015). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1948 € –2015, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1950). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1950, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1950–1970). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1950 - 1970, Kfw Archive Berlin .
- Kfw. (1965). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1965, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1966). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1966, Kfw Archive Berlin. Kfw. (1968). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1968, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1970). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1970, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1971). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1971, Kfw Archive Berlin.

- Kfw. (1974). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1974, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1975). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1975, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1980). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1980, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1981). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1981, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1982). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1982, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1984). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1984, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1986). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1986, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1987). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1987, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1988). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1988, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1989). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1989, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1990). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1990, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1991). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1991, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1992). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1992, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1993). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1993, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (1994). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 1994, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (2000). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2000, Kfw Archive Berlin.

- Kfw. (2001). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2001, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (2005). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2005, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (2008). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2008, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (2009). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2009, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (2010). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2010, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (2011). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2011, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (2012). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2012, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (2013). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2013, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (2014). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2014, Kfw Archive Berlin.
- Kfw. (2015). Kreditanstalt Fur Wiederaufbau Annual Report 2015, Kfw Archive Berlin.
- Kfw IPEX. (2008). Kfw IPEX Bank Annual Report 2008. Frankfurt A.M. [Accessed 2nd June 2018]. Retrieved from: [https://www.kfw-ipex-bank.de/PDF/Presse/Download-Center/Annual-Report 2008.Pdf](https://www.kfw-ipex-bank.de/PDF/Presse/Download-Center/Annual-Report%202008.Pdf).
- Kfw IPEX. (2009). Kfw IPEX Bank Annual Report 2009. Frankfurt A.M. [Accessed 2nd June 2018]. Retrieved from: <https://www.kfw-ipex-bank.de/PDF/Presse/Download-Center/Annual-Report2009.Pdf>.
- Kfw IPEX. (2010). Kfw IPEX Bank Annual Report 2010. Frankfurt A.M. [Accessed 2nd June 2018]. Retrieved from: <https://www.kfw-ipex-bank.de/PDF/Presse/Download-Center/Gesch%C3%A4ftsbericht-IPEX-2010-Englisch.Pdf>.

- Kfw IPEX. (2011). Kfw IPEX Bank Annual Report 2011. Frankfurt A.M. [Accessed 2nd June 2018]. Retrieved from: <https://www.kfw-ipex-bank.de/PDF/Presse/Download-Center/Annual-Report2011.Pdf>.
- Kfw IPEX. (2012). Kfw IPEX Bank Annual Report 2012. Frankfurt A.M. [Accessed 2nd June 2018]. Retrieved from: <https://www.kfw-ipex-bank.de/Pdf/Press/Download-Center/2018-04-26-Kfwipex-Bank-Gesch%C3%A4ftsbericht-2012-Deutsch.Pdf>.
- Kfw IPEX. (2013). Kfw IPEX Bank Annual Report 2013. Frankfurt A.M. [Accessed 2nd June 2018]. Retrieved from: <https://www.kfw-ipex-bank.de/PDF/Presse/Download-Center/2014-05-07-Kfwipex-Bank-Annual-Report-2013.Pdf>.
- Kfw IPEX. (2014). Kfw IPEX Bank Annual Report 2014. Frankfurt A.M. [Accessed 2nd June 2018]. Retrieved from: <https://www.kfw-ipex-bank.de/Pdf/Press/Download-Cente/Kfw-IPEX-Bankannual-Report-2014.Pdf>.
- Kfw IPEX. (2015). Kfw IPEX Bank Annual Report 2015. Frankfurt A.M. [Accessed 2nd June 2018]. Retrieved from: https://www.kfw-ipex-bank.de/PDF/Presse/Download-Center/2016-05-03_Kfw_IPEX-Bank_AR2015.Pdf.
- Kfw IPEX Annual Reports, Various Issues. (2008–2015). [Accessed 15 June 2017]. Retrieved from: <https://www.kfw-ipex-bank.de/International-Financing/Kfw-IPEX-Bank/Presse/Download-Center/Annual-Report>.
- Kfw Law. (1948). Gesetz Uber Die Kreditanstalt F € Ur Wiederaufbau. [Accessed 13 February 2017]. Retrieved from: https://www.kfw.de/Download-Center/Kfw-Gesetz-Und-Satzung-Sowiegesch%C3%A4ftsordnungen/Law-Concerning-Kfw-And-Kfw-By-Laws/Kfw_Gesetz_E.Pdf.
- Kindleberger, C. P. (2015). A Financial History of Western Europe. London: Routledge.
- Kitterer, W. (1998). Offentliche Finanzen Und Notenbank [Public Finances and the Central Bank]. In Deutsche Bundesbank, 50 Jahre Deutsche Mark: Notenbank Und WaHrung in Deutschland Seit 1948 the German

- Bundesbank: 50 Years of Deutsche Mark: The Central Banks and Currency in Germany since 1948]. Munchen: Beck.
- Lauber, V., and Pesendorfer, D. (2004). Success through Continuity: Renewable Electricity Policies in Germany. In I. De Lovinfosse and F. Varone (Eds.), *Renewable Electricity Policies in Europe* (pp. 121–182). Louvain: Presses De l'Universite Catholique De Louvain.
 - Lewis, J. I. (2014). The Rise of Renewable Energy Protectionism: Emerging Trade Conflicts and Implications for Low Carbon Development. *Global Environmental Politics*, 14(4), pp.10–35.
 - Liao, J. (2015). *Developmental States and Business Activism: East Asia's Trade Dispute Settlement* (International Political Economy Series). Basingstoke: Palgrave Macmillan.
 - Licari, J. (1969). The European Investment Bank. *Journal of Common Market Studies*, 8(3), pp.192–215.
 - Lin, J., and Chang, H. J. (2009). Should Industrial Policy In Developing Countries Conform To Comparative Advantage Or Defy It? A Debate between Justin Lin and Ha-Joon Chang. *Development Policy Review*, 27(5), pp.483-502.
 - Lin, J. Y. (2010). Six Steps for Strategic Government Intervention. *Global Policy*, 1(3), pp. 330–331.
 - Lin, J. Y. (2012). *New Structural Economics: A Framework for Rethinking Development and Policy*. Washington, DC: The World Bank.
 - Lund, P. D. (2009). Effects of Energy Policies on Industry Expansion in Renewable Energy. *Renewable Energy*, 34, pp. 53–64.
 - Majumdar, B. A. (1987). Upstart or Flying Start? The Rise of Airbus Industrie. *The World Economy*, 10(4), pp. 497-518.
 - Maxfield, S., Winecoff, W. K., and Young, K. L. (2017). An Empirical Investigation of the Financialization Convergence Hypothesis. *Review of International Political Economy*, 24(6), pp. 1004–1029.
 - Mazzucato, M. (2013). *The Entrepreneurial State: Debunking Public versus Private Sector Myths*. London: Anthem.

- Mazzucato, M., and Penna, C. C. (2016). Beyond Market Failures: The Market Creating and Shaping Roles Of State Investment Banks. *Journal of Economic Policy Reform*, 19(4), pp. 305–326.
- Mendelowitz, A. (2001). The New World of Government-Supported International Financing. In G. C. Hufbauer and R. M. Rodriguez (Eds.), *The Ex-Im Bank In The 21st Century: A New Approach? Special Report 14* (pp. 159, 169–170). Peterson Institute for International Economics.
- Mertens, D., and Thiemann, M. (2017). Building a Hidden Investment State? The European Investment Bank, National Development Banks and European Economic Governance. *Journal of European Public Policy*, pp. 1–21. Doi: 10.1080/13501763 .2017.1382556
- Moody's. (2013). Moody's Affirms Kfw IPEX's Aa3/P-1 Ratings; Outlook Remains Negative. *Global Credit Research*. [Accessed 15 June 2017]. Retrieved from: https://www.moody's.com/research/moodys-affirms-kfw-ipexs-aa3p-1-ratings -outlook-remains-negative-pr_263913.
- Moravcsik, A. M. (1989). Disciplining Trade Finance: The OECD Export Credit Arrangement. *International Organization*, 43(01), pp. 173–205.
- Mosley, L. (2003). *Global Capital and National Governments*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mosley, L. (2005). Globalisation and the State: Still Room to Move? *New Political Economy*, 10(3), pp. 355-362.
- Mulligan, R. (2007). Export Credit Agencies: OECD Arrangement for Officially Supported Export Credits. *Journal of Management Research*, 7(2), pp. 47–56.
- Musacchio, A., and Lazzarini, S. G. (2014). *Reinventing State Capitalism: Leviathan in Business, Brazil and Beyond*. Cambridge: Harvard University Press.
- Oh, S. Y. (2014). Shifting Gears: Industrial Policy and Automotive Industry after the 2008 Financial Crisis. *Business and Politics*, 16(4), pp. 641–665.
- OECD [Organisation for Economic Co-Operation and Development]. (2008). *the Export Credits Arrangement 1978–2008: Achievements and*

- Challenges Continued. [Accessed 31 January 2017]. Retrieved from: <https://www.oecd.org/tad/xcred/40594872> .Pdf.
- Rodriguez, R. M. (2001). Ex-Im Bank: Overview and Options. In G. C. Hufbauer and R. M. Rodriguez (Eds.), *The Ex-Im Bank In The 21st Century: A New Approach?* Special Report 14. Peterson Institute for International Economics. [Accessed 15 June 2017]. Retrieved From: https://Piie.Com/Publications/Chapters_Preview/323/1iie3004 .Pdf.
 - Rudra, N. (2002). Globalization and the Decline of the Welfare State In Less-Developed Countries. *International Organization*, 56(2), pp. 411–445.
 - Sablowski, T. (2009). Towards The Americanization of European Finance? The Case of Finance-Led Accumulation in Germany. In *American Empire and the Political Economy of Global Finance* (pp.135–158). London: Palgrave Macmillan.
 - Seikel, D. (2014). How The European Commission Deepened Financial Market Integration? The Battle over the Liberalization of Public Banks in Germany. *Journal of European Public Policy*, 21(2), pp. 169-187.
 - Shadlen, K. C. (2005). Exchanging Development for Market Access? Deep Integration and Industrial Policy under Multilateral and Regional-Bilateral Trade Agreements. *Review of International Political Economy*, 12(5), pp.750–775.
 - Standard and Poor's. (2016). Ratings Direct. Kfw IPEX-Bank GmbH. [Accessed 17 June 2017]. Retrieved from: <https://www.kfw-ipex-bank.de/PDF/Uber-Die-Kfw-IPEX-Bank/Organisation/Rating/2016-06-29-Standard-And-Poor%27s-Rating-KfW-IPEX-Bank.Pdf>.
 - Strange, S. (1996). *The Retreat of the State: The Diffusion of Power in the World Economy*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Thomson Reuters. (2012). Airbus Market Share Pitted Against Boeing. [Accessed 31 January 2017]. Retrieved from: <https://blogs.thomsonreuters.com/answeron/airbus-market-share-comparison-boeing>.
 - Thone, M., and Dobroschke, S. (2008). WTO Subsidy Notifications: Assessing German Subsidies Under The GSI Notification Template

- Proposed For The WTO. Geneva: Global Subsidies Initiative of the International Institute for Sustainable Development. [Accessed 2 June 2018]. Retrieved from: http://www.iisd.org/sites/default/files/publications/wto_subsidies_germany.Pdf.
- UNCTAD [United Nations Conference on Trade and Development]. (2014). Trade and Development Report 2014. New York, NY: UN. [Accessed 15 June 2017]. Retrieved from: http://unctad.org/en/publicationslibrary/tdr2014_en.Pdf.
 - US EXIM Bank. (2005). US Export-Import Bank Annual Report 2005. Washington DC. [Accessed 2nd June]. Retrieved from: https://www.exim.gov/sites/default/files/reports/annual/2005_Combined.Pdf.
 - US EXIM Bank. (2009). US Export-Import Bank Annual Report 2009. Washington DC. [Accessed 2nd June]. Retrieved from: <https://www.exim.gov/sites/default/files/reports/annual/2009AnnualReport.pdf>.
 - US EXIM Bank. (2011). US Export-Import Bank Annual Report 2011. Washington DC. [Accessed 2nd June]. Retrieved from: https://www.exim.gov/sites/default/files/reports/annual/exim_2011annualreport.pdf.
 - US EXIM Bank. (2013). US Export-Import Bank Annual Report 2013. Washington DC. [Accessed 2nd June]. Retrieved from: <https://www.exim.gov/sites/default/files/reports/annual/annual-report-2013.pdf>.
 - -Verband Offentlicher Banken [VOEB] [Association of Public Banks]. (2016). Promotional and Development Banks In Germany: 100 Years of Association Of German Public Banks. [Accessed 16 June 2017]. [Retrieved from: <https://www.voeb.de/download/publikation-foerderbanken-englisch.pdf>].
 - Verdier, D. (2000). The Rise and Fall of State Banking in OECD Countries. *Comparative Political Studie*, 33(3), pp. 283-318.

- Verständigung I and II [Understanding I and II]. (2002). European Commission. [Accessed 15 June 2017]. Retrieved from: https://www.ibt.de/media/dokumente/ueber-die-ibt/investor-relations/rechtlichegrundlagen/verstaendigung_i_und_ii_text_eu-kommision.pdf.
- Volberding, P. (2016). National Development Banks and The Rise Of Market- Based Protectionism In Europe. Cambridge, UK: Finance for Growth and Development Workshop.
- Wade, R. (1996). Globalization and Its Limits: Reports Of The Death Of The National Economy Are Greatly Exaggerated. National Diversity and Global Capitalism, 8, pp. 60–88.
- Wade, R. (2011). Why Justin Lin’s Dooropening Argument Matters For Development Economics. Global Policy, 2(1), pp. 115–116.
- Wade, R. H. (2003). What Strategies Are Viable For Developing Countries Today? The World Trade Organization and the Shrinking Of ‘Development Space’. Review of International Political Economy, 10, (4), pp. 621-644.
- Wade, R. H. (2012). Return of Industrial Policy? International Review of Applied Economics, 26 (2), pp. 223-239.
- Wade, R. H. (2017). The American Paradox: Ideology of Free Markets and the Hidden Practice of Directional Thrust. Cambridge Journal of Economics, 41(3), pp. 859–880.
- Walter, N. (1992). Development of a New Economic Policy Paradigm in West Germany In The 1980s? In M. Baldassarri (Ed.). Keynes and the Economic Policies Of The 1980’s. Springer.
- Warwick, K. (2013). Beyond Industrial Policy: Emerging Issues And New Trends (OECD Science, Technology And Industry Policy Papers No.2). [Accessed 15 June 2017]. Retrieved from: <http://www.oecd-ilibrary.org/docserver/download/5k4869clw0xp-en.pdf?expires=1497531509&id=idandacname=guest&checksu=B47277C890A5B7FAD48E48070BFDB1DF>.
- Weiss, L. (1998). The Myth of the Powerless State. Ithaca: Cornell University Press.

- Weiss, L. (2005a). Global Governance, National Strategies: How Industrialised States Make Room To Move Under The WTO. *Review of International Political Economy*, 12(5), pp. 723–749.
- Weiss, L. (2005b). The State Augmenting Effects of Globalisation. *New Political Economy*, 10(3), pp. 345–353.
- WTO [World Trade Organization]. (2010a). European Communities – Aid For Commercial Vessels. [Accessed 20 November 2017]. Retrieved From: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds307_e.htm.
- WTO. (2010b). European Communities And Certain Member States – Measures Affecting Trade In Large Civil Aircraft – Report Of The Panel (WTO Document No. WT/DS316/R). [Accessed 15 June 2017]. Retrieved From: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds316_e.htm.
- WTO. (2011). European Communities And Certain Member States – Measures Affecting Trade In Large Civil Aircraft – Report Of The Appellate Body (WTO Document No. WT/DS316/AB/R). [Accessed 2 October 2017]. Retrieved from: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds316_e.htm
- WTO. (2016). European Communities And Certain Member States – Measures Affecting Trade In Large Civil Aircraft – Report Of The Panel (WTO Document No. Wt/Ds316/Rw). [Accessed 2 October 2017]. Retrieved from: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds316_e.htm.
- WTO. (2017a). Ds316: European Communities – Measures Affecting Trade in Large Civil Aircraft. [Accessed 2 October 2017]. Retrieved from: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds316_e.htm.
- WTO. (2017b). Ds353: United States – Measures Affecting Trade In Large Civil Aircraft–Second Complaint. [Accessed 2 October 2017]. Retrieved from: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/cases_e/ds353_e.htm.
- Zysman, J. (1996). The Myth of a ‘Global’ economy: Enduring National Foundations and Emerging Regional Realities. *New Political Economy*, 1(2), pp.157–184